

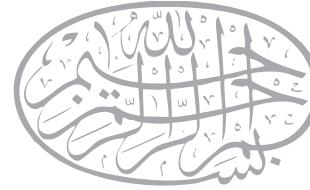
# آموزش ابتدایی



۶

ماه نامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای آموزگاران دبستان، دانشجویان  
دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی

دوره‌ی بیستم - اسفند ۱۳۹۵ - شماره‌پی‌دری ۱۶۳ - مصفحه ۴۸ - ۱۰۰۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی  
شرکت افست

مدیر مسئول: محمد ناصری

سردبیر: علیرضا متولی

شورای تحریریه: فاطمه رمضانی، سیده‌زهرا بابینی،

یدالله رهبری‌نژاد، صادق صادق‌پور

مدیر داخلی: مریم موسوی

ویراستار: کبیری محمودی

طراح گرافیک: پریسا شُلدُسی

نشانی دفتر مجله: تهران، ابراشهر شمالی، پلاک

صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱

تلفن: ۸۸۳۹۱۷۸ - ۰۲۱ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۹

نامایر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

ویگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir

ویگاه: www.roshdmag.ir

roshdmag:

پیام‌نگار: ebtedayi@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر شریعت رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲

کد دفتر مجله: ۱۰۹

کد مشترک‌گن: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵ / ۱۱۱

تلفن امور مشترکین: ۰۲۱ - ۷۷۳۳۶۶۵۵ و ۷۷۳۳۶۶۵۵

شمارگان: ۲۷۵۰۰

قالیل توجه نویسنده‌گان و مترجمان:

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستند، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری جا به باشند. ● مقاله‌هایی ترجیح شده باشد و متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نبایز همراه آنها باشد. چنانچه مقاله را خاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله بیک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته با تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند نرم افزار WORD و روى CD و یا طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نظر مقاله باید روان و ازنظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
- محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشtar در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تبیت اصلی، تبیترهای فرعی در متن و سوتیر باشد. ● معرفی نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنایون و آثار او پیوست شود.
- لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده ننمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً بینن رأی و نظر مسئلouan مجله نیست.
- علاوه بر این نکات، ضروري است به نکات مهم‌تری که در صفحه ۴۶ و ۴۷ درج شده، توجه فرمایید.



عکس روی جلد: فریبا شیخ‌روشنی



## ارزشیابی کیفی، ارزشیابی کیفیت، کیفیت ارزشیابی مسئله کدام است؟

۱. این شماره را ببیشتر به مقوله‌ی ارزشیابی کیفی پرداختیم. مدتی فکرم به موضوع ارزشیابی مشغول بود. در دل این ارزشیابی نوعی ارزشیابی نامرئی وجود دارد که شاید کمتر به آن توجه کردہایم. شاید اصولاً چنین ارزشیابی نامرئی را به نسبت نامرئی بودنش نادیده گرفتهایم!

آیا تاکنون از خود پرسیدهایم ما چه چیزی را ارزشیابی کیفی می‌کنیم؟ آیا آنچه به داشت آموzan خود آموختهایم، از کیفیت لازم برخوردار بوده است یا نه؟ آیا ما مقوله‌ای کیفی را ارزشیابی می‌کنیم؟ یا فقط می‌خواهیم هر آنچه را آموختهایم بسنجیم و کاری به کیفیت آن نداشته باشیم؟

چه کسی باید کیفیت مواد آموزشی ما را ارزیابی کند؟

آیا برای این نوع ارزشیابی‌ها فکری کردهایم؟

آیا ارزیابی معلم براساس ده‌ها طرحی که او را به آن مشغول کرده‌ایم، کافی است؟ و سؤال آخر اینکه کیفیت ارزشیابی‌های ما از زحمات داشت آموzan را چه کسی ارزشیابی می‌کند؟ پاسخ به این پرسش‌ها به اندیشه و تفکر بیشتری نیاز دارد.

از خوانندگان گرامی می‌خواهیم در صورتی که پاسخ یا پیشنهادی درباره‌ی این سؤالات دارند، حتماً با مادر میان بگذارند.

۲. آگرچه پایان سال حرفه‌ای ما در انتهای سال تحصیلی رقم می‌خورد، اما خوب است در این ماه پایانی سالِ تقویمی هم به ارزشیابی خودمان پردازیم. ما بی‌صبرانه منتظریم دوستان علاقه‌مند به ارزشیابی شش شماره‌ی ماهنامه رشد آموزش ابتدایی پردازند و ما را در جریان نقدها و نظرهای خود قرار دهند.

۳. هر هفته به طور متوسط حدود بیست مقاله به ایمیل مجله می‌رسد. تقریباً نیمی از این مقالات استانداردهای حداقلی نگارش مقاله را ندارند و تعدادی از آن‌ها اصولاً به ماهنامه‌ی رشد آموزش ابتدایی مربوط نمی‌شود. تعدادی از مقالات هم به موضوعات کهن و گاهی فراموش شده‌ی آموزش و پژوهش مربوط‌اند.

در صفحه‌ی ۴۶ و ۴۷ همین شماره، علاوه بر شرایط عمومی مقاله که در صفحه‌ی شناسنامه آمده است، شرایط اختصاصی مقاله‌ها و نوشتۀ‌های قابل پذیرش را آورده‌ایم. از دوستان و همکاران گرامی درخواست می‌کنیم قبل از ارسال نوشتۀ‌های خود شرایط را مطالعه فرمایند.

علیرضا متولی



۳ اسفند  
روز کودتای انگلیسی رضاخان (۱۲۹۹ ه.ش)



۵ اسفند  
روز خواجه نصیرالدین طوسی  
روز مهندس



۸ اسفند  
روز بزرگداشت ملاهادی سبزواری



۸ اسفند  
روز امور تربیتی و تربیت اسلامی



۱۲ اسفند  
شهادت حضرت فاطمه زهراء(س)  
(۳ جمادی الثانی)



۱۴ اسفند  
روز احسان و نیکوکاری



۱۸ اسفند  
روز بزرگداشت سید جمال الدین  
اسدآبادی (تولد: ۱۲۱۷ ه.ش)



۲۰ اسفند  
روز راهیان نور



۲۲ اسفند  
وفات حضرت ام البنین(س)  
روز تکریم مادران و همسران شهداء



۱۵ اسفند  
روز درختکاری



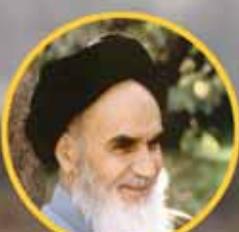
۲۵ اسفند  
مباران شیمیایی حلبچه  
(۱۳۶۶ ه.ش)



۲۹ اسفند  
ولادت حضرت زهرا(س)  
(۸ سال قبل از هجرت)



۲۹ اسفند  
روز ملی شدن صنعت نفت ایران  
(۱۳۲۹ ه.ش)



۲۹ اسفند  
تولد حضرت امام خمینی(ره)  
روز زن

## ۲۸ نکته‌ی تربیتی در داستان زندگی حضرت موسی(ع) در قرآن کریم

- تولد موسی(ع) و افکندن وی توسط مادر در گهواره‌ای از چوب و حصیر به آب و نجات موسی(ع) به وسیله آسیه، همسر فرعون؛
- بزرگ شدن موسی(ع) در قصر فرعون و با شیر مادر خودش؛
- قتل یکی از قبطیان (حامیان فرعون) توسط موسی(ع) و هجرت وی به شهر «مدین»؛
- ازدواج موسی(ع) با یکی از دختران شعیب پیامبر و ده سال چوپانی برای وی؛
- بازگشت به سرزمین مصر و برگزیده شدن به پیامبری؛
- حضور در قصر فرعون همراه با برادرش هارون و معجزه‌های موسی(ع)؛
- خروج شبانه‌ی موسی(ع) و پیروانش از مصر و غرق شدن فرعون و لشکریانش در رود نیل.

# پیامبری

## در قصر

ناصر نادری  
تصویرگر: نسیم نوروزی

### اشاره

حضرت موسی(ع) از پیامبران بزرگ الهی و از انبیای اولوالعزم به شمار می‌آید. در قرآن کریم در بیست سوره از وی سخن گفته شده است و بار از وی یاد شده است: سوره‌های بقره، آل عمران، نساء، مائدہ، انعام، اعراف، یونس، هود، ابراهیم، اسراء، کهف، مریم، طه، انبیاء، حج، مؤمنون، فرقان، شراء، نمل، قصص، عنکبوت، ال‌سجدہ، احزاب، صفات، غافر، حم سجدہ، شوری، زخرف، احلاف، ذاریات، نجم، صف، نازعات و اعلیٰ. حضرت موسی(ع) فرزند عمران، ملقب به «کلیم‌الله» (هم کلام با خدا)، مأمور به رسالت در قوم بنی اسرائیل بوده است و کتاب آسمانی‌اش «تورات» نام دارد. زمان ظهورش در فاصله‌ی قرن‌های ۱۳ تا ۱۵ پیش از میلاد مسیح بوده است.

هارون، برادرش، در رسالت حامی او بود. موسی(ع) داماد شعیب پیامبر بوده است.

در این شماره، ضمن پرداختن به فرازهای مهم زندگی حضرت موسی(ع)، به برخی از جلوه‌های تربیتی داستان زندگی او در لابه‌لای آیه‌های قرآن کریم اشاره خواهد شد.

### گروه مؤمنان

«داستان موسی و فرعون را به راستی برای گروه مؤمنان برتولی خوانیم»  
(قصص / ۳۰).

- هدف قرآن از بیان این داستان هدایت مؤمنان است. (برای گروه مؤمنان)
- نخستین شرط هدایت «قابلیت» است. (برای گروه مؤمنان)

### در آن سرزمین

- «فرعون در آن سرزمین برتری طلب بود و مردمش را گروه گروه کرد و گروهی را با کشتن پسرانشان و باقی گذاشتن زنانشان ضعیف و خوار داشت. او به راستی از تبهکاران است» (قصص / ۴).
- ایجاد تفرقه از ابزارهای مستبدان برای تسلط به مردم است. (و مردمش را گروه گروه کرد).
- تفرقه مقدمه‌ی ذلت‌پذیری است. (گروه گروه کرد... ضعیف و خوار داشت).
- تفرقه افکنان مفسدند. (... از تبهکاران است).



### نیکوکاران

«چون [موسی] (ع) نیرومند و برومند شد، او را فرزانگی و دانش دادیم، و این گونه نیکوکاران را [در دنیا] پاداش می‌دهیم» (قصص/۱۴).

■ نخستین شرط پذیرش مسئولیت بلوغ جسمانی است. (چون نیرومند و برومند شد).

■ بلوغ واقعی، علاوه بر رشد جسمانی، به بلوغ فکری نیز وابسته است. (او را فرزانگی و دانش دادیم).

■ حکمت بر علم مقدم است. (او را «فرزانگی» و «دانش» دادیم).

■ لطف به نیکوکاران سنت الهی است. (و این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم).

■ پاداش نیکوکاران منحصر به آخرت نیست. (و این گونه نیکوکاران را [در دنیا] پاداش می‌دهیم).

### به دریا بینداز

«به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر بد و چون بر جانش بیمناک شدی، او را به دریا بینداز. تترس و اندوهگین مشو که ما او را به تو باز می‌گرداتیم و در سلک پیامبرانش می‌آوریم» (قصص/۷).

■ در هنگام اضطراب و نگرانی بهترین حمایتگر مؤمنان خدادست. (... وحی کردیم).

■ زنان قادرند از الهام غیبی الهی بپردازند. (به مادر موسی وحی کردیم).

■ نزول امدادهای غیبی با استفاده از ابزار مادی، منافاتی با هم ندارند. (... او را شیر بد).

### روشنی چشم

«و همسر فرعون گفت: «او را نکشید که مایه روشنی چشم من و توست، شاید به ما سودی برساند یا او را به فرزندی خود برگزینیم» (قصص/۹).

■ زن باید در جامعه منشأ اثر باشد. (همسر فرعون گفت...).

■ پیشنهاد به موقع، همراه با استفاده از عنصر محبت و عاطفه، کارساز است. (... مایه روشنی چشم من و توست).

■ در برخورد با زشتی‌ها، باید هم عطوفت و مهربانی به کار برد و هم از امر و نهی استفاده کرد. (مایه روشنی چشم من و توست... او را نکشید).

■ در نهی از منکر باید از ارتباط شفاهی (زبانی) استفاده کرد. (او را نکشید).

### یک کودک

«ما پیشاپیش دایگی زنان را که شیر می‌دادند، بر او حرام کردیم. پس [خواهر موسی] که مأموران را در جستجوی دایه دید گفت: «آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که می‌توانند او را نگهداری کنند و خیرخواه او باشند؟» (قصص/۱۲).

■ گاهی مستکبران از تأمین غذای یک کودک هم ناتوان می‌شوند. (... بر او حرام کردیم).

■ در حوادث همواره باید هوشیار بود. خواهر موسی، بدون اینکه نامی از مادرش ببرد، او را به مأموران فرعون معرفی می‌کند. (آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم...).

■ نوزاد، علاوه بر نیازهای طبیعی (فیزیولوژیکی)، به کانون خانواده و محبت نیازمند است. (... می‌توانند او را نگهداری کنند و خیرخواه او باشند).

### وعددی خدا

«بدینسان او را به مادرش بازگرداندیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند وعده خدا حق است، ولی بیشتر آن‌ها نمی‌دانند.» (قصص/۱۳)

■ نوزاد نور چشم مادر و مایه ای آرامش اوست.

(تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد).

■ مادر عمیق‌ترین نقش را در تکوین شخصیت کودک دارد. (او را به مادرش بازگرداندیم).

### راه راست

«و چون [موسی] [به سوی مَدِین] روی نهاد، گفت: «امید است که پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند» (قصص/۲۲).

■ گاهی هجرت و تحرک از شیوه‌های تحول خواهی و جلب خشنودی خداست. (و چون به سوی مَدِین روی نهاد).

■ نخست حرکت و سپس دعا و امیدواری. (و چون به سوی مدین روی نهاد... گفت: امید است که پروردگارم کند).

■ همواره باید در صدد انتخاب بهترین و نزدیک‌ترین راه‌ها بود. (راه راست)

■ در همه حالات باید امیدوار بود. (امید است که...).

■ وجود فراز و نشیب در مسیر تربیت انسان‌ها یک سنت الهی است. (و چون به سوی مدین روی نهاد... گفت: امید است که پروردگارم...).

■ در هر کار باید از پروردگار یاری طلبید. (و چون به سوی مدین روی نهاد... گفت: امید است که پروردگارم...).

# بهدود مهارت‌های حرکتی پایه

## برنامه‌ای برای ایجاد انگیزه‌ی حرکت در دانشآموزان

نجمه رضا سلطانی

کارشناس ارشد روان‌شناسی ورزش، دانشگاه تهران

محسن وحدانی

دانشجوی دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت‌بدنی، دانشگاه تهران

آن‌ها بارفتن به مدرسه، تماشای تلویزیون، بازی‌های رایانه‌ای و تکالیف پر شده است. از طرف دیگر هم فرصت‌های تمرینی با کمبود امکانات و تجهیزات مناسب محدودتر شده‌اند. برای مثال، هزینه‌ی خرید ابزار بازی و شرکت در کلاس‌های ورزشی و دیگر امکانات زیاد است. البته فرصت‌های تمرینی به تنها‌ی نمی‌تواند رشد حرکتی را در بیشتر کودکان در پی داشته باشد. بسیاری از کودکان، بدون داشتن برنامه‌ی مناسب رشدی، هرگز در مهارت‌های حرکتی بنیادی توانمند نمی‌شوند. موضوع دیگر، ایجاد محیطی غنی و محرك برای افزایش تجرب حرکتی کودکان و رشد مهارت‌های حرکتی است که باید با همکاری مدیر و آموزگار مدرسه ایجاد شود.

ارائه برنامه‌ای که گستره‌ی وسیعی از مهارت‌های موردنظر را در برگیرد و نیز برنامه‌ای که به عنوان یک انگیزش بتواند به تمایل کودکان برای فعال شدن منجر شود، از عوامل کیفی برنامه‌ی متناسب رشیدی محسوب می‌شود. برنامه‌ی درس تربیت‌بدنی باید متناسب با نیازها، علاقه‌ها و سطح رشد دانشآموزان باشد. لذا آموزگاران تربیت‌بدنی باید برنامه‌ای را در کلاس اجرا کنند که ضمن تناسب با برنامه‌ی درس تربیت‌بدنی، بارشده حرکتی دانشآموزان نیز متناسب باشد. برنامه‌ی حرکتی مذکور باید بتواند مهارت‌های حرکتی پایه را توسعه دهد. مهارت‌های

رفتاری منجر خواهد شد. عنصر اصلی رشد حرکتی، مهارت‌های حرکتی بنیادین هستند. اگر برنامه‌ی خوبی طراحی شود و به شکل صحیح در ساعت درس تربیت‌بدنی تدریس شود، مسلماً در رشد همه‌جانبه‌ی کودکان سهم مهمی خواهد داشت.

دوران کودکی در میان دوره‌های زندگی مهم‌ترین دوره‌ی رشد حرکتی به‌شمار می‌آید. خصوصیات این دوره، رشد مداوم جسمانی، حرکتی، شناختی و عاطفی است. به‌طوری که تجارب و یادگیری‌های اولیه در این دوران، در یادگیری بعدی فرد بسیار مؤثر است. در واقع، تجارب گذشته‌ی کودک نقش مهمی در یادگیری آینده دارد. زمان می‌تواند تعیین‌کننده‌ترین عامل مهارت‌های حرکتی دوره‌های بعد دارد. علاوه بر این، تأخیر در رشد این مهارت‌ها کودک زمان کافی برای رشد مهارت‌های حرکتی خود ندارند. به این ترتیب که روز

حرکت امری غریزی است و برای رشد دانشآموزان دوره‌ی ابتدایی نقش محوری دارد. این نقش در زمینه‌هایی همچون رشد شناختی، رشد عاطفی، و نیز رشد حرکتی او حیاتی است. رشد حرکتی بخشی از مطالعه‌ی علمی رفتار است که به تغییر و پایداری در رفتار حرکتی از زمان تشکیل نطفه تا مرگ توجه دارد. رشد حرکتی به تغییرات پیش‌رونده در رفتار حرکتی در سراسر دوره‌ی زندگی اطلاق می‌شود که حاصل تعامل بین نیازهای تکلیف، ویژگی‌های بیولوژیکی فرد و شرایط محیطی است. اهمیت رشد حرکتی از این جنبه است که پیامدهای مستقیمی بر توانایی‌های فرد در انجام مهارت‌های حرکتی دوره‌های بعد دارد. مهارت‌های حرکتی دوره‌هایی که پیامدهای کودک نقش مهمی در یادگیری آینده دارد. زمان می‌تواند تعیین‌کننده‌ترین عامل مهارت‌های حرکتی دوره‌های بعد دارد. علاوه بر این، تأخیر در رشد این مهارت‌ها به ایجاد مشکلاتی در ادرار بصری، ضعف در یادگیری، و حتی اختلالات



بنابراین، مهارت‌های راه رفتن، دویدن، چرخیدن، پیچیدن، به پهلو دویدن، بلند کردن و پرتاب کردن در پایه‌ی اول، مهارت‌های پریدن، سر خوردن، خم شدن، باز شدن و دریافت کردن در پایه‌ی دوم و مهارت‌های لی لی کردن، جا خالی دادن، هل دادن، تاب خوردن و ضربه زدن با دست و پا در پایه‌ی سوم، از جمله مهارت‌های بنیادینی هستند که باید مورد تأکید قرار گیرند.

همچنین، آموزگاران باید توجه داشته باشند که در آموزش مهارت‌های پایه، با توجه به مقتضیات، از روش‌های تدریس متفاوتی استفاده کنند. به طور یقین، بهره‌گیری بیشتر از روش‌های مکاشفه‌ای و ترکیبی فرصت بیشتری را برای اکتشاف استعدادهای بالقوه‌ی دانشآموزان و تقویت توانایی‌ها و رشد حرکتی آنان ایجاد می‌کند و خلاقیت را نیز در آنان افزایش می‌دهد. بهره‌گیری از فضاهای و تجهیزات مناسب و جذاب و استفاده از انواع بازی‌های کاربردی می‌تواند دستیابی به رشد حرکتی بهینه را تسهیل کند.

#### منابع

۱. ملانوروزی، کیوان؛ خلجمی، حسن؛ شیخ محمود؛ اکبری، حکیمه (۱۳۹۰). *تأثیر برنامه‌ی حرکتی منتخب بر رشد مهارت‌های دستکاری پسران ۴ تا ۶ سال*. نشریه‌ی رشد و یادگیری حرکتی. شماره‌ی ۷.
۲. عمارتی، فرشته؛ نمازی‌زاده، مهدی؛ مختاری، پونه؛ محمدیان، فاطمه (۱۳۹۰). *تأثیر بازی‌های دیستانی منتخب بر رشد ادراکی - حرکتی و رشد اجتماعی دختران ۸-۹ سال*. نشریه‌ی پژوهش در علوم توانبخشی. سال ۷. شماره‌ی ۵.
۳. هی وود، کاتلین (۱۳۸۶). *رشد و تکامل حرکتی در طول عمر*. ترجمه مهدی نمازی‌زاده، و محمدعلی اصلاح‌خانی. انتشارات سمت. تهران.
۴. رمضانی‌نسزاد، رحیم (۱۳۸۸). *اصول و مبانی تربیت‌بدنی و ورزش*. انتشارات بامداد کتاب. تهران.
۵. سراج‌زاده، غلامرضا و همکاران (۱۳۸۹). *تربیت‌بدنی دوره‌ی ابتدایی*. کتاب معلم (راهنمای تدریس). دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی ابتدایی و متosطه‌ی نظری. تهران.
۶. سلطانیان، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۱). *از زیبایی پایایی و روابطی سازه‌ی آزمون رشد حرکتی در کودکان استان سمنان*. نشریه‌ی کومش. جلد ۱۴.



۳. حرکات کنترلی مانند پرتاب کردن از بالا، پایین و دودستی

است و عواملی مانند شیوه‌ی اجرای فردی یا ویژگی‌های شخصی را شامل نمی‌شود. کودک پس از رشد و پالایش این الگوهای ابتدایی نیز به مهارت‌های بنیادین حرکتی بسیار اهمیت داده شده است، به طوری که ۴۴ درصد هفته‌ها در پایه‌ی اول، ۴۸ درصد پایه‌ی دوم و ۳۶ درصد پایه‌ی سوم دوره‌ی ابتدایی به آموزش مهارت‌های بنیادین اختصاص پیدا کرده است. جدول زیر شماره‌ی هفته و مهارت حرکتی بنیادینی را که باید آموزش داده شود، اصلی به این شرح‌اند:

۱. حرکات انتقالی مانند راه رفتن، دویدن، پریدن، لی لی کردن و...
۲. حرکات غیرانتقالی مانند چرخیدن، پیچیدن و بلند کردن

#### برنامه‌های درس تربیت‌بدنی برای بهبود مهارت‌های حرکتی پایه

پایه	شماره‌ی هفته (حرکت پایه)
اول	اول (راه رفتن، دوم (دویدن)، پنجم (شناخت حرکات پایه)، هفتم (شناخت مفاهیم)، دوازدهم (به پهلو دویدن و سرخوردن)، چهاردهم (پرتاب یک دستی)، پانزدهم (چرخیدن، پیچیدن و بلند کردن)، هفدهم (پرتاب زبردست)، نوزدهم (راه رفتن، دویدن و سرخوردن)، بیست و یکم (مهارت در پرتاب دودستی)، بیست و پنجم (حرکات پایه و بازی))
دوم	اول (به پهلو دویدن، دوم (پریدن)، ششم (دانشی)، دوازدهم (پرتاب کردن)، سیزدهم (دربافت کردن)، چهاردهم (خم و راست شدن)، پانزدهم (پرتاب کردن و گرفتن، زمین زدن و گرفتن)، شانزدهم (دربافت کردن)، هفدهم (جهت‌یابی)، نوزدهم (راه رفتن در مسیر مشخص)، بیست و یکم (مهارت در دربافت کردن)، بیست و دوم (ترکیب دویدن، پریدن با مهارت‌های دستکاری)، بیست و چهارم (جهت‌یابی)، بیست و ششم (دویدن و پریدن، لی لی کردن، با جهش رفتن))
سوم	اول (لی لی کردن)، دوم (شناخت مفاهیم از طریق حرکت)، دوازدهم (ضریب زدن با دست و پا)، سیزدهم (هل دادن و تاب خوردن)، پانزدهم (ضریب زدن با دست و پا در حال حرکت)، شانزدهم (شناخت مفاهیم از طریق حرکت)، بیستم (مهارت در ضربه‌زدن با دست و پا)، بیست و یکم (اجرای ترکیبی حرکات و مهارت‌های پایه)، بیست و پنجم (اجرای ترکیبی حرکات و مهارت‌های پایه)

### بازی با کودک چه می‌کند؟

بازی از مهم‌ترین عوامل در تربیت اخلاقی کودک و بکی از راه‌هایی است که مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی را به کودکان منتقل و سبب رعایت اصول اخلاقی به نحوی کامل‌تر نسبت به محیط خانه و مدرسه می‌شود. یکی از بهترین شیوه‌های آموزش غیرمستقیم به افراد و سبب کمک به کودک و شناخت و فهم او از دنیا اطراف خود و پادگیری تمایز میان واقعیت و تخیل می‌شود.

کودک به هنگام بازی، ضمن کسب آگاهی درباره خود و دیگران، میزان توانایی‌های خود را با سایر افراد مقایسه می‌کند و به مفهوم روش ترو واقع گرایانه‌تری از خود می‌رسد. او ضمن برقراری رضایت‌بخش ترین رابطه‌ها با دیگران و کسب لذت، نقش‌های متفاوت را بر عهده می‌گیرد.

کودک از طریق بازی احساسات و ترس‌هایش را بیان می‌کند. یکی از نیازهای کودک در زندگی روزمره، علاوه بر کسب لذت، رهایی از نگرانی‌ها و فشارهای محیطی است و بازی بهترین وسیله‌ی رسیدن به این امر است. نقش بازی در پورش و رشد عضلات کودک و صرف انرژی‌های اضافی و جلوگیری از هیجان عصبانیت و تندخوبی، بسیار حیاتی است.

### تعريف بازی

بازی پدیده‌ای طبیعی است که ابعاد روانی و اجتماعی خاصی دارد. در دین اسلام و دستورات بزرگان دین توصیه‌های زیادی در مورد بازی در سنین کودکی شده است. زیمل بازی را فرایندی برای آماده‌ساختن کودکان جهت ایفای نقش‌های بزرگ‌سالان می‌داند. ویر به رواج بازی در طول تاریخ انسانی اشاره می‌کند و بر مفهوم بازی به عنوان مجموعه اهدافی که غالباً حس آن‌ها را رهبری می‌کند تأکید می‌ورزد.

کایوا در تعریف بازی این شرایط را می‌گنجاند: فرد آزاد و مستقل باشد، پای‌بند به قیود خاصی نباشد، رسیدن به نتیجه‌ی خاصی را دنبال نکند، از قواعد از پیش مشخص شده‌ای تبعیت نکند.

**دو تریو و لویس می‌گویند:** بازی به معنای حرکت به کار می‌رود و یکی از چهار انگیزه‌ی بنیادینی است که فعالیت انسان را رهبری می‌کند. این چهار انگیزه عبارت‌اند از: جنس، خود، تجمع و بازی.

### نقش بازی‌های دیروز در کودک دیروز

در گذشته، بهدلیل نوع بازی‌های حرکتی، کودک توانایی‌ها و مهارت‌های بدنی فراوانی کسب می‌کرد و دایره‌ی ثروت حرکتی او گسترش می‌یافت، به گونه‌ای که الگوهای حرکتی فراوانی را فرامی‌گرفت و توانایی‌های حرکتی او افزایش می‌یافتدند. بدین ترتیب، فراگرفتن مهارت‌های حرکتی، چه در زمینه‌ی ورزش و چه در تحصیلات آموزشگاهی، مانند مهارت نوشتمن، نقاشی یا مهارت‌های اجتماعی، برایش آسان می‌شد. علاوه بر این فعالیت‌ها و بازی‌های حرکتی، آمادگی جسمانی، بهداشت عضوی، ارتباط اجتماعی، تمرین قدرت رهبری، سلامت روان، مشارکت اجتماعی، پادگیری هنجارهای اخلاقی و اجتماعی را در پناه این گونه بازی‌ها کسب می‌کرد.

# بازی‌های امروزی، فایده‌ها و آسیب‌ها

اسکندر حسین‌پور

دانشجوی دکترای تربیت‌بدنی دانشگاه تهران (دبیر درس تربیت‌بدنی)

حبيب الله ولی‌زاده

کارشناس ارشد تربیت‌بدنی



## بازی‌های امروزی و شرایط کودک امروزی

امروزه به دلیل پیشرفت فناوری و وجود بازی‌های الکترونیکی و دنیای مجازی کارکرد بازی و سهمی که این گونه بازی‌ها در زندگی کودکان دارند، فراوان است. رایانه، دنیای مجازی و فناوری رو به پیشرفت، نقش غیرقابل انکاری در جامعه‌ی امروزی دارند، به گونه‌ای که کمتر خانواده‌ای را در جوامع می‌توان یافت که به رایانه و شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی دسترسی نداشته باشند. بازی‌های رایانه‌ای نمادی از خلاقیت و توانمندی انسان در ایجاد دنیای مجازی هستند که به صورت روزافزون همه‌گیر می‌شوند و شاید بتوان علت این همه‌گیری را در نبود وقت کافی برای جستجو در دنیای واقعی یا نبود امکانات برای اراضی حس کننده‌ای در دنیای بیرون دانست. بچه‌ها به این دلیل که بازی را بایک دستگاه تجربه می‌کنند و فضای طبیعی بازی‌های جمعی را در مدرسه، کوچه، پارک، محیط خانه و خانواده از دست می‌دهند، در نتیجه نسبت به آسیب‌های اجتماعی واکسینه نمی‌شوند. رشد سریع فناوری‌های اطلاعات تاثیرات بسیار بر عرصه‌ی فرهنگی داشته است و بازی‌های رایانه‌ای نیز بخشی از فناوری‌های نوبن‌اند که تأثیر پایدار بر فرهنگ، رشد و تکوین شخصیت افراد و روش‌های آموزشی گذاشتهداند و به دلیل پر کردن بیشتر اوقات فراغت کودکان، نوجوانان و جوانان نیازمند توجه بیشتری هستند. این گونه بازی‌ها، اثرات مثبت اندک و آسیب‌های جسمی و روانی زیادی برای نسل آینده‌ی این مژزویوم در بی دارند.

### راه حل

با توجه به اثرات منفی بازی‌های رایانه‌ای در بین دانش‌آموزان و اثرات سوء آن نظیر کم تحرکی و چاقی و اثرات منفی این وضعیت در سلامت دانش‌آموزان و جامعه، توجه به ساعت درس تربیت‌بدنی و بازی‌های ورزشی با تحرک کافی، ضرورتی انکار ناپذیر است. اهمیت دادن به ورزش در دوران کودکی امری مهم و حیاتی است. زیرا کودک همواره در حال رشد است و رشد مطلوب و همه‌جانبه‌ی او می‌تواند در زندگی آینده‌اش بسیار مفید و مؤثر واقع شود. اگر کودکان بدطور منظم ورزش نکنند، عادت به این کار پیدا نخواهند کرد و هرچه بزرگ‌تر می‌شوند به نشستن پای تلویزیون یا انجام بازی‌های رایانه‌ای عادت می‌کنند. برنامه‌ریزی درس تربیت‌بدنی و ورزش در دبستان باید به گونه‌ای صورت گیرد که توجه خوبی به حرکت جسمانی، رشد و تکامل قوای جسمانی صورت گیرد. بنابراین، اطلاع‌رسانی و آگاهی دادن به آموزگاران درباره‌ی مزایای ورزش در دوران کودکی، به فرهنگ‌سازی در این امر کمک می‌کند و به داشتن نسلی شاداب و سالم منجر می‌شود.

- منابع در دفتر مجله موجود است.



### آسیب‌های بازی‌های امروزی

» **ضعف عضلانی و حرکتی:** که خود عاملی برای ابتلاء به انواع بیماری‌ها نظیر چاقی، کمردرد، صدمه‌های چشمی، اسکلتی، پوستی، عوارض سیستم اعصاب مرکزی، تغییر در سوخت‌وساز بدن، واکنش‌های قلبی و عروقی، چاقی، تضعیف قوای فکری، عوارض گوارشی، خستگی مزمن و... است.

» **تقویت حس پرخاشگری:** مشخصه‌ی اصلی این بازی‌ها خشونت است. کودک باید با تمام توان خود پرخاشگر شود تا به مرحله‌ی بعد دست یابد. تکرار و استمرار چنین بازی‌هایی کودک را پرخاشگر و سنتیزه‌جو بار می‌آورد.

» **انزواط‌لبی:** یکی دیگر از آسیب‌هایی که این بازی‌ها دارد، ایجاد روحیه‌ی انزواط‌لبی در کودکان است. کودک به دلیل جذبیت بازی‌های رایانه‌ای از جمع کناره‌گیری می‌کند تا وقت بیشتری را به بازی اختصاص دهد. روحیه‌ی انزواط‌لبی باعث جدا شدن کودک از جمع همسالان و حتی خانواده می‌شود و این امر تبعات و آسیب‌های دیگری در پی خواهد داشت.

» **تنبل شدن ذهن:** به دلیل ناتوانی دخل و تصرف در این بازی‌ها، ذهن او تنبل می‌شود (برخلاف نظر والدین که این بازی‌ها را فکری می‌دانند) و از نظر حرکت جسمی، تنها چند انگشت را به کار می‌گیرد.

» **افت تحصیلی:** به دلیل وقت و انرژی زیادی که کودکان برای این بازی‌ها می‌گذرانند، کودکان زمان کمتری را صرف تکالیف درسی خود خواهند کرد و دچار افت تحصیلی خواهند شد.

» **افت اخلاقی:** از دیگر عوارض این بازی‌ها افت اخلاقی و رفتاری در کودکان و نوجوانان است. هویت‌هایی که در این بازی‌ها به نمایش گذاشته می‌شوند، خالی از مهر، خشن، سنتیزه‌جو و دروغ‌گویی هستند. این افراد معمولاً در مورد مدت‌زمان انجام بازی به دیگران و خانواده‌ی خود دروغ می‌گویند و یا حتی بسیاری از کارها و قرارهای خود را به دلیل انجام بازی به هم می‌زنند و برای دیگران دلایل دروغی می‌آورند.

» **تأثیر منفی در روابط خانوادگی:** کاهش ارتباط گرم و صمیمی بین اعضای خانواده.

=> **عادات نادرست:** واژه‌ی عادات نادرست به وابستگی فرد به موضوع یا اشیا اشاره دارد که چنانچه فرد مدتی از آن‌ها دور بماند، تغییراتی در روی روی می‌دهد که تنها با حضور مجدد آن موضوع یا شیء آرام می‌شود.

مگو بگوی معلم‌ها صفحه‌ای است برای طرح مسائل و مشکلات و پیشنهادهای معلمان عزیز. ممکن است همکاران گرامی و به خصوص مدیران ارشد آموزش و پرورش، جواب‌هایی به این مگو بگوها داشته باشند. این صفحه می‌تواند با انتشار پاسخ‌هایی که از همکاران عزیز می‌رسد، به صفحه‌ای پربارتر تبدیل شود. پس در خواست داریم با طرح مشکلات حرفه‌ای خود، مجال گفت و گو با دیگر همکاران را نیز فراهم کنید. نکته: طرح این مسائل فقط انجام رسالت ماهنامه در انتشار نظرات معلمان و همکاران عزیز است و به معنای تأیید محتوای نوشته‌های نیست.



# حروفهای مگو، بگوی معلم‌ها

## معایب ارزشیابی توصیفی

عذر اقدبیگی  
آموزگار دبستان  
شهید بختیاری شازند،  
کارشناسی ارشد

- ارزشیابی توصیفی نسبت به ارزش‌های تحصیلی دانش‌آموزان دیدگاه کامل‌تری دارد و روش‌های فعال تدریس، به عنوان پیش‌شرط تحقق آن مطرح است. در ارزشیابی توصیفی، به جنبه‌های مهارت ذهنی و ابعاد اجتماعی، عاطفی و روانی دانش‌آموزان توجه شده که در نظام ارزشیابی سنتی، مورد بی‌مهری و فراموشی قرار گرفته است. همچنین، با توجه به ابعاد متفاوت شخصیت دانش‌آموزان وجود فرایندهای عالی ذهنی و تفکر انتقادی و خلاق در آن‌ها، نمی‌توان با آرمنون مداد کاغذی، که تنها ابزار ارزشیابی سنتی هستند، به سنجش و ارزیابی آن‌ها پرداخت. اما این نوع ارزشیابی معایبی دارد که به شرح زیرند:
۱. استفاده از این نوع ارزشیابی متناسب کلاس‌های پر تراکم نیست و این در حالی است که در اکثر مدارس شهری و بعضی از مدارس روستایی، تعداد دانش‌آموزان کلاس‌ها زیاد است.
  ۲. آموزش ناکافی معلمان برای اجرای درست این طرح در مدارس، باعث شده است آنان استقبال لازم را از این ارزشیابی نکنند.
  ۳. توجیه شدن والدین درخصوص همکاری لازم با مدرسه، از بزرگ‌ترین مشکلاتی است که معلمان با آن مواجه‌اند.
  ۴. تناسب نداشتن برنامه‌های درسی با نحوه استفاده از ابزارهای ارزشیابی توصیفی، باعث پایین آمدن کیفیت ارزشیابی شده است.
  ۵. زمینه‌ای برای دانش‌آموزان کم کار و بستری برای شانه خالی کردن از انجام تکالیف برای این دسته فراهم شده است.
  ۶. از آنجا که انجام این طرح مستلزم داشتن وقت زیاد است، به نظر می‌رسد تراکم دانش‌آموزان به طور مستقیم بر روی کار و فعالیت معلمان تأثیر منفی دارد و چنانچه به این موضوع توجه نشود، معلم هرچند علاقه‌مند است، به خاطر عقب نماندن از بودجه‌بندی، مجبور است به شیوه‌های دیگر ارزشیابی دست بزند.

## چرا نگاره‌ها را حذف کنیم؟

کاش خانم زهرا زمانیان، در مجله‌ی شماره ۱۵۰ رشد آموزش ابتدایی\*؛ وجود نگاره‌های فارسی اول دبستان را بنایه دلایل زیر، زیر سؤال می‌بردا

۱. کلاس اولی امروزی همچون من معلم شم، در اتاقی پر از مو و مور و موش چشم به دنیای غنی نگشوده بلکه؛ در بهداشت‌گاهی مملو از انسان و صابون و تومن چشم به دنیای غنی گشوده و خواه ناخواه به اهداف آموزشی و پرورشی نهفته در آن‌ها از طریق تلویزیون، گوشی، تبلت و دیگر ابزارهای

آموزش غیررسمی دست یافته.

۲. به شیوه‌ی غیررسمی و طبیعی تقویت انشاء نیز شده چرا که منظور از تقویت انشاء به کمک نگاره و تصویر، همین جمع‌آوری اطلاعات است نه آموختن نوشتن.

کارایی لازم را ندارد، به این دلیل که دانش‌آموزان در پایه‌ی هفتم با ارزشیابی کمی مواجه می‌شوند.

تعداد باسواندی که نمی‌توانند بنویسنند ↗ تعداد باسواندی که می‌توانند بنویسنند

۳. این رابطه پیام می‌دهد که کتاب فارسی اول ابتدایی را به نوشتن و خواندن اختصاص دهیم و از تعداد بین و بگوی آن بکاهیم در غیر این صورت؛ کما کان فرع و حاشیه را بر اصل ترجیح دادهایم!
- بلی، انجار اطلاعات و دهکده‌ی جهانی قبل از بخش ۱ کتاب کودکان را آماده‌ی آموزش فارسی کرده‌اند! مؤید این گفته‌ها و حذف نگاره‌ها، نظریه‌ی «Deschooling society» است. ایوان ایلیچ اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ نظر داد که آموزش خارج مدرسه‌ای واقعی و دلخواهی است اما، کتاب درسی و تصاویر آن تحمیلی.
۴. معلم می‌تواند بدون نگاره‌ها و در جریان الفی‌آموزی هم اختلالات زبانی را رفع نماید و مطالب دینی، حفاظتی و غیره را عینی و عملی سازد. دانش‌آموزان را به تفکر و تقویت حواس و ادارد و با مسجد و کتابخانه و روستا آشنا سازد.

مطلوب خانم زهرا زمانیان را می‌توانید در لینک زیر بباید:

## ملاحظاتی بر ثبت عملکرد دانش آموزان ابتدایی

هر ساله در آغازین روزهای فصل پاییز و شروع سال تحصیلی جدید، شوکی عظیم و خونی تازه در رگ‌های آموزش‌وپرورش می‌دود. بر متولیان آموزش‌وپرورش است که از این نیروی عظیم و شور و نشاط حاکم بر فضای مدارس سود ببرند و با رویی گشاده معلمان و دانش آموزان را به انجام فعالیت‌های بهتر، پویاتر و کارآثر تشویق و ترغیب کنند. اگرچه در بسیاری از موارد تغییر سبک و ساختار آموزش و ارزشیابی و ... به پویایی علم آموزی کودکان سرزینمنان کمک کرده است، اما گاهی هم با کم‌طفی‌ها و کج‌سلیقگی‌هایی مواجه بوده‌ایم.

### ابلاغ طرح جدید برای نحوه ثبت عملکرد دانش آموزان

در شروع سال تحصیلی ۹۵-۹۶ طرحی به مدارس ابلاغ شد که در راستای همان طرح، دفتر ثبت فعالیت‌های کلاسی و کاربری پوششی کار دانش آموزان دچار تغییر و دگرگونی شد. اگرچه این تغییرات از لحاظ تئوری بسیار مثبت و سازنده به نظر می‌رسند و نشان‌دهنده‌ی حساسیت و بهبود طلبی مدیران آموزش‌وپرورش هستند، اما به عنوان فردی دلسوز، و به پشت‌وانه‌ی وجودان کاری و تجربه‌ی ناچیز و به مصادق ضربالمثل تجربه بالاتر از علم است، لازم دیدم مواردی را مطرح کنم.

### دفتر ثبت فعالیت‌های کلاسی؛ نقاط ضعف و قوت

در سال‌های گذشته، دفتر ثبت فعالیت‌های کلاسی کاستی‌هایی داشت و هنوز هم دارد. برای مثال، معلم علاوه بر بخشی که باید بتواند در آن توصیف خود را از عملکرد و ویژگی‌های دانش آموزان ارائه دهد و هم‌اکنون در دفاتر کلاسی وجود دارد، باید بخشی در اختیار داشته باشد که بتواند ارزیابی‌های مستمر را در آن ثبت کند. چیزی شبیه دفتر نمره‌های قدیمی که هر معلم بنا به ضرورت کلاس خود و موارد مورد نیاز، آن را بخش‌بندی می‌کرد و نتایج کار دانش آموزانش را در آن ثبت می‌کرد. به نظر من، در درس‌های به اصطلاح خواندنی، برای مثال درسی مانند مطالعات، که اهداف هر درس مشخص است، با برگزاری آزمون‌های درس و ثبت امتیاز برای هر درس می‌توان به جمع‌بندی برای هر دانش آموز یا حتی کل کلاس رسید، بدون اینکه نیازی به نوشتن اهداف با تفکیک وجود داشته باشد. دانش آموزی که به ۹۰ درصد سؤالات پاسخ داده است، احتمالاً به حدود ۹۰ درصد از اهداف آموزشی دست یافته است.

ضمن اینکه راندمان کار کلاس در آن درس خاص، پیشرفت افقی که همان پیشرفت به مرور زمان است و نحوه عملکرد آموزگار، به راحتی از این جداول قابل استخراج است؛ بدون اینکه به کاغذ بازی و صرف وقت و هزینه‌ی اضافی نیاز باشد. همچنین، جمع‌بندی عملکرد هر دانش آموز و کل دانش آموزان در این روش آسان‌تر است. مثلاً وقتی دانش آموز از فصل ۱ امتیاز ۷۵ درصد، از فصل ۲ امتیاز ۸۰ درصد، از فصل ۳ امتیاز ۹۰ درصد از فصل ۴ امتیاز ۶۰ درصد کسب کند، رشد و پیشرفت تحلیلی او در فصل‌های ۱ تا ۳ معلوم است و افت ناگهانی در فصل ۴ باید بررسی شود. یا برای مثال، اگر تمام دانش آموزان در فصل ۴ افت داشته باشند، می‌توان از کتاب یا روش تدریس معلم یا زمان‌بندی نامناسب و غیره ایراد گرفت و برای رفع آن چاره اندیشید.

## ثبت عملکرد برای درس ریاضی

در اینجا باید اضافه کنم، برای درسی مثل ریاضی، کما اینکه ما در گذشته از این روش بهره برده‌ایم، می‌توان با توجه به تعدد مباحث هر فصل، یک برگه‌ی چکلیست مجزا در نظر گرفت و در آن اهداف هر فصل را به تفکیک مشخص کرد. با برگزاری آزمون‌های پایانی فصل یا خرده آزمون‌هایی که در طول تدریس گرفته می‌شوند، به محض دستیابی هر دانش‌آموز به اهداف، برای او تیک زد. به این ترتیب، اشکالات هر فصل برای تک‌تک دانش‌آموزان و کلاس به خوبی قابل استخراج خواهد بود و مهم‌تر آنکه نتایج کل دانش‌آموزان در یک جا جمع می‌شود و می‌توان آن‌ها را بررسی و رفع اشکال کرد. وقتی برای مثال در مبحث مقایسه‌ی اعداد مثبت با منفی، بیش از نیمی از کلاس به سؤال‌ها پاسخ مناسب نداده‌اند، معنای آن لزوم آموزش مجدد و تکرار و تمرین بیشتر است.

## کاربرد پوشه‌ی کار

دانش‌آموزان ما به هر حال باید پوشه‌ی کار داشته باشند، اما نه با صرف هزینه برای امور غیرمتعارف و محض نمایش. در سال‌های گذشته هم دانش‌آموزان موظف بودند تمام آزمون‌ها و تحقیقات و نمونه‌کارهای خود را به ترتیب در پوشه قرار دهند. اولیا با یک نگاه اجمالی به پوشه‌ی کار که بیشتر فعالیت‌های فرزندشان را دربرداشت، به روند صعودی و نزولی نقاط ضعف و قوت او واقع می‌شدن. اگر هم نقصی در پوشه‌ی کار وجود داشت، با مراجعته به مدرسه و بررسی چکلیست معلم آشکار می‌شد. مثلاً وقتی دانش‌آموز در روز آزمون فصل اریاضی در مدرسه حضور داشته و متعاقباً در آزمون این فصل شرکت کرده است، ولی برگه‌ی آن را در پوشه ندارد، نقص کار هویدا می‌شود. در عین حال که نمره یا درصد ثبت شده در چکلیست معلم نمایانگر عملکرد اوست. این روش باعث می‌شود دانش‌آموز مجموعه‌ای کامل از آزمون‌های مختلف که تمام درس‌ها و مباحث کتاب را دربردارد - و نه گزینشی از آن‌ها - در اختیار داشته باشد و بتواند برای آزمون‌های جامع تر به آن‌ها استناد و حتی اشکالات خود را بررسی و رفع کند. ضمن اینکه می‌توان از دانش‌آموزان خواست در موارد متعدد به سراغ آزمون‌های خود بروند و سؤالاتی را که به آن‌ها پاسخ اشتباه داده‌اند، در دفتر تکلیف یادداشت و پاسخ درست آن‌ها را پیدا کنند. این روش بسیار مفیدتر از آن است که ما هر بار در گیر این حرف‌ها باشیم که این نمونه برای پوشه‌ی کار شما خوب است یا آن نمونه را از پوشه‌های خارج کن، چون تاریخ مصرفش تمام شده است!

## نتیجه‌گیری

در پایان لازم می‌دانم یادآوری کنم، هر معلمی مدیر کلاس خود است. باید دست معلم را برای تدریس، ارزیابی، جمع‌بندی و روش‌کار، در چارچوب مقررات کلی، باز گذاشت. اجبار به استفاده از روش‌های وقت‌گیر و غیر کاربردی در کلاس‌های پر جمعیت و ناهمگون، چیزی جز نارضایتی و اجرای ناقص و نمایشی در پی نخواهد داشت. در ضمن، هدف اصلی همه‌ی ما باید یادگیری و پیشرفت دانش‌آموزانمان باشد؛ حال با هر روش صحیح و وسیله‌ای که معلم از آن بهره برده است. همچنین، در اجرای هر طرحی باید امکانات مدارس، تراکم و وضعیت دانش‌آموزان و حجم و محتوای کتاب‌های درسی را در نظر بگیریم.

کلام آخر آنکه همه‌ی ما در تلاشیم به بهترین شیوه‌ای که می‌شناسیم، به غنی شدن فرایند آموزشی آینده‌سازان سرزیمنمان کمک کنیم. اینجا نسبت بر خود لازم می‌دانم، از بذل توجه مدیران عالی که با بررسی راههای متفاوت، انجام تحقیقات گستره و ارسال شیوه‌نامه‌های گوناگون، سعی در بهبود روش‌های آموزشی دارند، تشکر کنم.

# ارزش توصیف در ارزشیابی

کبری مهدوی

کارنامه‌ی امسال پسرم متفاوت از سال‌های پیش است. از دیدن آن خیلی خوش حال شدم. چند بار براندازش کردم. شاید حدود یک ساعتی مدام گزینه‌هایش را بررسی کردم. چند تا «سییار خوب» دارد. حتی چند تا «تیاز به تلاش» هم دارد. بیایید با تصویر درباره‌ی آن حرف بزنیم. از درس فارسی شروع می‌کنم. هر ساله، فارسی او «خوب» ارزشیابی می‌شود، در حالی که به نظر من مادر و خودش، او در فارسی «سییار خوب» و حتی «عالی» است. راستش تا به امروز؛ ما متوجه نشده بودیم چرا این همه اختلاف نظر بین ما و مدرسه وجود دارد. گاهی پسرم فکر می‌کرد معلم با او لجیزی می‌کند. به قول خودش: «شاید خانمون از من خوشن نمی‌یاد!» اما امروز و در این کارنامه، همه چیز به وضوح قابل درک است. او در فارسی هم خوب دارد، هم بسیار خوب و هم قابل قبول. همان طور که در کارنامه می‌بینید، در ارزشیابی درسی مثل فارسی، هفت مورد لحاظ شده است. پسر من در موارد ۳، ۲، ۴ و ۵ «بسیار خوب»، در مورد ۶ «خوب» و در موارد ۶ و ۷ «قابل قبول» معروفی شده است. این مفاهیم به خوبی نشان می‌دهند، این دانش‌آموز در نوشتن به خط تحریری و نیز در تعامل با دیگران صفت دارد و لازم است در این موارد بیشتر بکوشد. این توضیحات توصیفی، نه تنها مرا، بلکه خود دانش‌آموز را نیز متوجه می‌کند که چرا تا به حال در فارسی نتیجه‌ی خوب می‌گرفته، نه بسیار خوب. جالب این جاست که خودش گفت: «مامان اینا که کاری نداره. دفعه‌ی بعد،

کارنامه مدارک درسی (اکسل) پسر مهدوی	دانش	آیات و عبارات قرآنی کتاب درسی را به صورت صحیح و روان می‌خواند
سییار خوب	۱	علقهم با مصدقای بیام قرآنی را به زبان ساده بیان می‌کند
سییار خوب	۲	به قرآن احترام می‌کنارو و هنگام شنیدن آن مسکوت می‌کند
سییار خوب	۳	نسبت به خواندن آیات و عبارات قرآنی از روی مصحف شرف عالیه نشان می‌دهد
سییار خوب	۴	دانستان‌های کتاب درسی را مذکور جزئیات بیان می‌کند
سییار خوب	۵	خدانوند را پاور خود می‌داند و او را به واسطه حرایت‌های ارشاد سپاسگزاری می‌کند
سییار خوب	۶	نمونه‌هایی از فتاوی‌های پیامبر و ائمه‌ایمان می‌کند و به این اشاره ایشان احترامی گذاشت
سییار خوب	۷	فقطیات‌های مربوط به کتاب تک را درست و به موقع انجام می‌دهد
سییار خوب	۸	حضرت مریم را با بزرگی‌های منددی معرفی می‌کند و در مورد آن توضیح می‌دهد
سییار خوب	۹	از زندگی حضرت عیسیٰ دانستان‌هایی بیان می‌کند و برای الگو گرفتن از زندگی ایشان تلاش می‌کند
سییار خوب	۱۰	نمونه‌هایی منسوج از عملکردهای قرآنی و نتایج خوب آن را بیان می‌کند
سییار خوب	۱۱	به نمونه‌های متنوع از نقض و هماهنگی بدبدهای خلخت و به عنوان دلیلی بر پیگانی خدا اشاره می‌کند
سییار خوب	۱۲	با استفاده از اکار افزارهای مناسب به پرسش‌ها پاسخ می‌دهد
سییار خوب	۱۳	به طور مناسب و مؤثر در برابر جمع سخن می‌گوید در خواندن متون نثر و شعر توائیی دارد
سییار خوب	۱۴	در تقدیم و تحلیل متن توائیی دارد
سییار خوب	۱۵	دریباره‌ی یک موضوع متنی ساده می‌نویسد
سییار خوب	۱۶	اصول فرزت‌نویسی و علامه‌نگارشی را رعایت می‌کند
سییار خوب	۱۷	در گفتگو با دیگران مشارکت فعال دارد و بیام خود را به صورت منسجم بیان می‌کند
سییار خوب	۱۸	کلمات را صحیح و زیبا و خطاخویش می‌نویسد
سییار خوب	۱۹	پیام اصلی متن شنیداری را با ذکر جزئیات بیان کرده و به پرسش‌های با استدلال پاسخ می‌دهد
سییار خوب	۲۰	شرایط و شرایط اعداد جمله‌ای و مسائل مربوط به آن تهیارت دارد
سییار خوب	۲۱	عدندنویس ناچاری اینجا می‌داند و به خوبی اعداد را باعث‌گیری می‌کند
سییار خوب	۲۲	کسرها و اعداد مخلوط را متناسب و صحیح و تقریب می‌کند
سییار خوب	۲۳	سریع و تفہیم کسرها و اعداد مخلوط را اینجا می‌داند. (رسم شکل)
سییار خوب	۲۴	راهنمای الگوهای بندی و شناسی مختلف را بهداشت و الگو را اینجا می‌داند
سییار خوب	۲۵	مسئل را به خوبی ترک کرده و آن را حل می‌کند
سییار خوب	۲۶	جمع و تفریق اعداد مرتب را اینجا می‌داند
سییار خوب	۲۷	در شناخت نسبت‌های مساوی و نسبت را بهارز شارد
سییار خوب	۲۸	تمرین‌ها و مسائل مربوط به نسبت و نسبت و درصد و در حل می‌کند
سییار خوب	۲۹	تمرین‌های مربوط به تقارن مدوری و مرکزی را به خوبی اینجا می‌داند
سییار خوب	۳۰	تقارن و فریتهای یک نقطه را مستحب به خط و رسم می‌کند
سییار خوب	۳۱	در رسم زاویه و ایمساز همارت لازم را دارد
سییار خوب	۳۲	تمرین‌های مربوط به مجموع زاویه‌های اشکال هندسی را انجام می‌دهد
سییار خوب	۳۳	اعداد اعشاری را می‌شناسد و نوع عملیات آن را انجام می‌دهد
سییار خوب	۳۴	مساحت اشکال تبعیدی و حجم اشکال سه‌بعدی و مسائل آن را انجام می‌دهد
سییار خوب	۳۵	تمرین‌های مربوط به آمار و احتمال و اهداف فعل ۷ کتاب را انجام می‌دهد

# ازدیاد اشتباهات نحوی متن‌بازخورد

که ارزشیابی توصیفی به طور رسمی جریان داشت. من و پسرم توصیف را در این طرح حس کردیم برای اولین بار به معادل نمره‌ای نتیجه‌های کارنامه فکر نکردیم. اصلاً مهم نبود نمره‌ی فارسی در مجموع چند شده است. آنچه مهم بود، پیدا شدن نقاط ضعف و قوت بود. متأسفم برای سال‌هایی که از دستشان دادیم؛ سال‌هایی که می‌توانستیم به جای گرفتن بازخوردهایی در حد فقط یک کلمه در هر درس، به این روشنی از وضعیت ضعف و قوت دانش‌آموزان باخبر شویم؛ راستش متأسفم برای دانش‌آموزانی که هنوز هم به شیوه‌ی نادرست ارزشیابی توصیفی می‌شوند! اگر امسال معلم فعلی پسرمن این آموزگار نبود، شاید پسر من ابتدایی را تمام می‌کرد، بی‌آنکه به درستی در ارزشیابی توصیف شود. یعنی ارزشیابی توصیفی این همه به شخص معلم بستگی دارد. و چه خوش شناس است پسر من!

گمان نمی‌کنم دور از ادب باشد در آغاز گرفتن و بوسیلدن دسته‌های خانم معلم پسرم. من دیروز به سختی مرخصی گرفتم و با اکراه به مدرسه رفتم تا کارنامه‌ی پسرم را بگیرم. اما امروز با شوق و با شاخه‌ای گل به خدمت معلمش رسیدم تا دستش را بسوم و از او تشکر کنم، به خاطر این مزه‌ی خوش که به کام ما نشانید. آیا باز هم آموزگاری یک مادر را چنین هیجان‌زده و خوشنود خواهد کرد؟ آیا دیگر دانش‌آموزان سرزمینم هم می‌توانند طعم خوش ارزشیابی توصیفی را بچشند؟ کاش می‌توانستم معلم پسرم را تکثیر کنم! من نمی‌توانم، چون معلم نیستم و تنها یک مادرم. اما آیا شما می‌توانید؟

موضوع. وقتی دانش‌آموزی نمره‌ی ۱۹ یا ۱۴ یا حتی زیر صفر می‌گرفت، فقط می‌فهمید که کدام سوال‌های را غلط و کدام‌ها را درست نوشته است. او به راحتی متوجه نمی‌شد در چه مهارتی ضعیف یا قوی است. اما در این شیوه، چنانچه به درستی اجرا شود، چنانچه توصیف انجام شود، چنانچه فارسی یا ریاضی یا هر کدام از درس‌ها یک مهارت کلی در نظر گرفته نشوند و جزو به جزو آن‌ها بررسی و سنجیده شود، هدف واقعی از ارزشیابی حاصل خواهد شد. یعنی ارزشیابی برای یادگیری صورت خواهد گرفت، نه به منظور اعلام نتیجه‌های بی‌حائل.

در تعریف ارزشیابی توصیفی گفته‌اند: «فرایند جمع‌آوری، تجزیه، تحلیل و تفسیر اطلاعات حاصل از به کارگیری ابزارهای سنجش و ارائه‌ی بازخورد توصیفی در جهت هدایت این جریان به سوی تحقق اهداف.» لازم است یادآوری کنم، پسر من اولین محصول سندبرنامه‌ی درسی‌ملی و ارزشیابی توصیفی است. یعنی اولین سال ورود او به مدرسه، مصادف بود با تولد این سند و این طرح. بنابراین، اولیای هم‌کلاسی‌های او، از همان روزهای اول، آرزو می‌کردند کاش فرزندشان یک سال زودتر یا حتی دیرتر به مدرسه می‌آمد تا موش آزمایشگاهی ارزشیابی توصیفی نمی‌شد. آن‌ها معنی ۱۹ و ۲۰ و ۱۲ را خوب متوجه می‌شوند، اما بسیار شنیده‌ام که بر سر فرق بسیار خوب و خوب اختلاف نظر دارند. بارها شنیده‌ام که می‌کوشند معادل عددی این توصیف‌ها را برای فرزندانشان معنا کنند.

سال گذشته (۱۳۹۴) پنجمین سال بود

فارسی رو بسیار خوب می‌گیرم. اما تو ریاضی نمی‌تونم، آخه خانممون راست گفتة. من مسئله‌ها رو نمی‌تونم حل کنم، به نظرت چه کار کنم؟» چند لحظه به این دو جمله که از پسرم نقل قول کردم، دقت کنید. در اولی، چون نمی‌دانست ضعف کارش کجاست، گمان می‌کرد معلم با او لج دارد یا از او خوشش نمی‌آید، اما در دومی، تنها به خاطر چند توصیف و توضیح ساده، دانش‌آموز اقرار می‌کند که معلم‌مان راست گفتة. من فلان چیز را بدل نیسم، در وهله‌ی اول، او می‌داند و می‌فهمد که می‌تواند ضعف خود را بطرف کند و سپس متوجه ضعف می‌شود و می‌داند که نیاز به کمک گرفتن از دیگران دارد. به همین سادگی! ارزشیابی توصیفی، اگر به درستی انجام گیرد، به همین سادگی مشکلات بسیاری را حل می‌کند. اگر هر کسی بداند گره کارش در کجاست، به اولین و شاید مهم‌ترین مرحله‌ی حل مشکل رسیده است. ذهن پسر من در گیر مسئله‌ای شد که ناخوداگاه به آن فکر خواهد کرد. مهم این است که خود مسئله را کشف کرده و آن را پذیرفته است.

در این کارنامه، در برابر هر درس، چند مهارت مطرح شده و توانایی دانش‌آموز در هر یک محک می‌خورد. فارسی یک موضوع کلی است. اما خود این موضوع، به چند مهارت اساسی تقسیم شده است و توانمندی فرد در هر کدام از این مهارت‌ها مورد توجه است. این شیوه از ارزشیابی، اصلاً با نمره قابل توصیف نیست. در کارنامه‌های قدیمی، فارسی یک موضوع بود و ریاضی هم یک

## یک راهنمای کمک به والدین در درک ارزشیابی توصیفی

# ارزشیابی کیفی - توصیفی در نگاهی ساده

مصطفی زندیه

مدرس ارزشیابی کیفی - توصیفی

\* موضوع: آشنایی با فرایند سنجش و ارزشیابی تحصیلی و چگونگی مشارکت اولیا با معلمان

\* مخاطب: والدین دانش آموزان کلاس اول در سال تحصیلی ۹۵-۹۶

\* هدف: دادن اطلاعاتی مختصراً و ساده از شیوه‌های جدید ارزشیابی، به پدران و مادرانی که در سال تحصیلی پیش رو دانش آموز پایه‌ی اولی دارند.

۲. شرکت در جلسات آموزشی که با هماهنگی و دعوت قبلی در ایام تابستان و در پایان هر ماه، در طول سال تحصیلی، در کلاس فرزندان بدبختان تشکیل می‌شود.

۳. استفاده از اطلاعات کاربردی که آموزگار محترم در مورد شیوه‌های جدید تدریس و ارزشیابی به شما می‌دهد.

۴. کمک در طراحی و مدیریت پوششی کار: پوششی کار، آلبوم فعالیت‌های یادگیری دانش آموز است که در طول دوره‌ی آموزشی، با کمک معلم و دانش آموز و باری والدین، به شکای منظم و هدفمند طراحی و تولید می‌شود.

والدین محترم، فرزند کلاس اولی شماره‌شناختی آموزش می‌بینند که براساس طرح تحول بنیادین، شیوه‌های ارزشیابی از سیستم نمره‌ای به روش کیفی و توصیفی تغییر یافته است. با وجود گذشت هشت سال از اجرای فرآیند این برنامه، هنوز بیشتر خانواده‌ها به دنبال روش‌های سنتی و نمره‌ای هستند، زیرا خود با روش جدید آشنایی نداشته و با روش قبلي تربیت شده‌اند. شیوه‌ی جدید ارزشیابی کیفی و توصیفی مزایا و فواید بسیاری دارد که در این مطالب سعی می‌شود با زبانی ساده و کاربردی به آن‌ها اشاره شود.

امروزه در بیشتر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه‌ی دنیا روش‌های نمره‌ای و سخت‌گیرانه کنار گذاشته شده‌اند و در آموزش و یادگیری از روش‌های کیفی استفاده می‌شود. در کشور ما هم که در حال توسعه و پیشرفت است، ضرورت دارد از شیوه‌های سنتی آموزشی فاصله بگیریم و فرزندان خود را با استفاده از روش‌های نوین و پیشرفته‌ی آموزشی و تربیتی بپروریم.

شورای عالی آموزش و پرورش که بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در نظام آموزشی ایران است، در مصوبه‌ی خود، تغییر نظام آموزشی از نمره‌ای به کیفی - توصیفی را در دوره‌ی دبستان تصویب کرده و تمامی مدیران و معلمان ملزم به اجرای آن شده‌اند. بنابراین، لازم است والدین محترم دانش آموزان دبستانی، مخصوصاً در پایه‌ی اول، اطلاعات و دانش خود را در این حوزه افزایش دهند و به عنوان بازویی توانمند یار و مددکار آموزگار و مدرسه‌ی فرزند خود باشند.

**شیوه‌هایی که اولیا می‌توانند در رابطه با موضوع ارزشیابی به آموزشگاه کمک کنند، عبارت‌اند از:**

۱. استقبال از بسته‌ی آموزشی که در اختیار والدین محترم قرار می‌گیرد.

شیوه‌ی پوششی کار در بعضی مدرسه‌ها خانواده محور است، یعنی به جای اینکه در کلاس نگهداری شود، دانش آموزان آن را به منزل می‌برند و پوشش با کمک والدین محترم مدیریت می‌شود. در این باره، چند نکته قابل ذکر است: والدین پوششی کار را در ابتدای سال تحصیلی از آموزگار محترم تحويل می‌گیرند.

تهیه‌ی پوششی ۵۰ برگ یا تعدادی کاور کاغذ A4 و گیره‌ی پوشش برای قرار دادن تولیدات دانش آموزان در آن ضروری است. استفاده از این ابزار باعث می‌شود برگه‌های دانش آموزان مانند آلبوم عکس قابل ورق زدن باشد.

موضوع محور کردن پوششی کار به کمک چندین برگ؛ یعنی درس‌های فارسی، بنویسیم، املا، ریاضی، علوم و هنر از هم تفکیک شوند. برگه‌هایی از دانش آموز در پوششی کار قرار می‌گیرند که معلم تصحیح کرده و دارای بازخورد توصیفی باشد.

را متفاوت آفریده و هر فردی در نوع خود بی‌همتاست. به این معنی که هر انسانی استعدادها و توانایی‌های خاص خود را دارد. دانش‌آموزی با یک بار گفتن معلم می‌آموزد و دانش‌آموزی دیگر به گفتن و تکرار چندین باره نیاز ندارد. بنابراین، در این روش، هرگز دو فرد همکلاسی با هم مقایسه نمی‌شوند، بلکه میزان تلاش و پیشرفت امروز هر دانش‌آموز با دیروزش مقایسه می‌شود. رعایت این اصل بر بهداشت روانی دانش‌آموزان کلاس می‌افزاید و دوستی و مهربانی را جایگزین راقابت، حسادت و دشمنی می‌کند. توصیه می‌شود، در منزل هم هرگز فرزند خود را بادیگران مقایسه نکنید. حتی مقایسه افراد دوقلو که شرایطی کاملاً مشابه دارند، کار درستی نیست و به آنان آسیب می‌زند.

### کاربرد مقیاس‌های خیلی خوب و...

در این نوع از ارزشیابی، معلم از چهار کلمه‌ی خیلی خوب (خ)، خوب (خ)، قابل قبول (ق) و نیاز به آموزش و تلاش بیشتر (ن) استفاده می‌کند که گاهی والدین نیز به اشتباه آن‌ها را زیر برگه‌های دانش‌آموزان می‌نویسند.

**نکته:** این چهار اصطلاح که به آن‌ها مقیاس‌های رتبه‌ای می‌گویند، برای دانش‌آموزان کلاس اولی قابل درک نیست و تنها معلم در نوشتن کارنامه، که مخاطب آن اولیا هستند، از آن‌ها استفاده می‌کند.

**سخن آخر:** والدین محترم، طرح تحول بنیادین نظام آموزشی کشور فرایندی در حال گذار است و به طور حتم با نارسایی‌ها و اشکالاتی همراه است. اما با نیازهای جامعه‌ی امروز پچه‌ها، گریزی از اجرای آن نیست. تنها نگاه مثبت و همدلی و همبودی والدین محترم با اولیای مدرسه است که این مشکلات را به حداقل می‌رساند و زمینه را برای تحقق بهتر اهداف نظام آموزشی فراهم می‌آورد. منتظر حضور گرم شما در مدارس هستیم.

والدین و دانش‌آموز با ورق زدن برگه‌های پوششی کار، تلاش، پیش‌رفت و نتیجه را مشاهده می‌کنند و شاهد رشد و موفقیت صاحب پوشش می‌شوند.

پدران و مادران با ورق زدن پوششی کار به نقاط قوت و ضعف فرزند خود بی‌می‌برند و برای رفع اشکالات یادگیری اقدام می‌کنند. لازم است دانش‌آموزان و والدین ایشان از پوششی کار به خوبی مراقبت کنند، در مراجعه‌های هر ماهه به کلاس، آن را به آموزگار نشان دهند و از راهنمایی‌های ایشان بهره‌ی لازم را ببرند.

### استفاده نکردن از نمره

والدین محترم به شما توصیه می‌شود، برای فعالیت‌هایی که فرزندتان در منزل انجام می‌دهد، به او نمره ندهید، زیرا کودکان کلاس اولی شما هیچ درکی از ابزار نمره ندارند و معنی آن را نمی‌دانند. صحبت از نمره‌ی بیست در منزل و منوعیت استفاده از آن در کلاس باعث سردرگمی و آسیب رسیدن به فرزندتان می‌شود. معلم در کلاس به جای نمره از بازخورد شفاهی با نوشتاری استفاده می‌کند. بازخورد بازیانی ساده، کودک را متوجه نقاط قوت و ضعف‌ش می‌کند و راهی را که به او نشان می‌دهد یادگیری را بهبود می‌بخشد.

در منزل، به جای استفاده از نمره، در جمله‌های ساده و قابل درک، خوبی‌ها و ضعف‌های یادگیری دانش‌آموز را بگویید یا بنویسید و تکلیفی را که به او کمک می‌کند بیان کنید. لازم به ذکر است، نوشتن بازخورد کاری ظرفی و تخصصی است. لذا بهتر است با معلم فرزندتان در این باره مشورت کنید.

### مقایسه نکردن دانش‌آموزان با هم

شخص‌ترین ویژگی ارزشیابی کیفی توصیفی حذف رقابت‌های سخت‌گیرانه و مقایسه نکردن دانش‌آموزان است. خداوند انسان‌ها



# بازخورد پایانی

نمایش مهارت‌های معلمی معلم!

بهمن قره‌داغی

پژوهشگر، مدرس و مؤلف برنامه‌ی ارزشیابی کیفی - توصیفی



## بازخورد چیست؟

«بازخورد» حلقه‌ی پیوند محکم و ماندگار بین ارزشیابی و یادگیری است. هر کدام از متخصصان آگاه به موضوع، با درنظر داشتن زاویه‌ی نگاه خاص تعریفی خاص نیز از آن دارد. نان استال و گیس براساس نتایج پژوهش‌های خود، بازخورد توصیفی را چنین تقسیم‌بندی کرده‌اند: (الف) مرتبط با پیشرفت؛ (ب) مرتبط با اصلاح و بهبود.

از این نگاه، بازخوردهای مرتبط با اصلاح و راهبردها و روش‌هایی که باعث رفع نواقص و بهبود عملکرد می‌شوند، گروه هدف به حساب می‌آیند.

در اینجا و در تعریف کلی و ساده، بازخورد عبارت است از «بازگشت دادن» نتیجه‌ی عملکردهای دانش‌آموز به دانش‌آموز توسط محیط (علم - فراگیرندگان و خود فراگیرنده) و یا ساده‌تر، یعنی همان فرایندی که یادگیرنده را از چگونگی یادگیری خود آگاه می‌سازد و او را در اصلاح و بهبود رفتارش یاری می‌رساند.

## نوع بازخورد

(الف) بازخورد فرایندی (کلاسی): بازخورد فرایندی همان بازخوردهای توصیفی شناختی و فراشناختی هستند که معلم به منظور بهبود روش‌ها و نحوه‌ی یاددهی و آگاه شدن دانش‌آموز از قوت‌ها

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی تربیتی نوعی ارزشیابی فرایندمحور است. هدف این است که دانش‌آموز یا یادگیرنده آموزه‌هایی را یاد بگیرد و به مراتبی از شایستگی‌ها برسد که در زندگی اش مؤثر باشد. در ارزشیابی کیفی، بهطور نظامداری شواهد دستیابی یادگیرنده به نتایج یادگیری جمع‌آوری و تحلیل می‌شود. این عمل به منظور قضاؤت و ارائه‌ی بازخورد برای اصلاح و هدایت عملکرد در طول سال یا دوره‌ی تحصیلی<sup>۱</sup> انجام می‌شود.

پس لازم است به نقش «بازخورد پایانی» با دقت و وسوسات بیشتری بپردازیم، بهویژه اینکه نباید از خاطر دور داشت که در هر نظام آموزشی، «بازخورد» فرصتی ایجاد می‌کند تا آن نظام، با تکیه بر داده‌های بازخورد، بتواند نسبت به اصلاح، تقویت و توسعه‌ی خود اقدام بایسته را به انجام برساند یا بتواند از چگونگی عملکرد خود آگاه شود یا به کمک آن، اجزا و عناصر خود را بازبینی، بازمهندسی و بازآفرینی کند.

با عنایت به اینکه ارزشیابی کیفی - توصیفی یکی از اشکال ارزشیابی فرایندمحور است، در این شکل، بازخورد به عنوان یک مفهوم زیر بنایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اگر یکی از هدف‌های فرایند نظام آموزشی را ایجاد تغییر در ساخت شناختی و فرایندهای ذهنی یادگیرنده‌گان بدانیم، بدان گونه که دانش‌آموز بتواند آنچه را در یک موقعیت فراگرفته، در موقعیت متفاوت دیگری نیز به کار گیرد، با بهطور کلی بتواند آموخته‌های خود را در زندگی و در عمل نشان دهد، این خواسته ممکن نمی‌شود، مگر اینکه او در فرایند آموزش و در موقعیت‌های متناسب قرار گیرد و به صورت پیوسته و هدفمند، بازخوردهای دقیق، جامع و کاملی دریافت کند تا بتواند به خوبی از روند تلاش، پیشرفت و موفقیت‌های خود آگاه شود و در مهندسی جریان یادگیری، جایگاه خود را به خوبی درک کند و فعالیت‌های خود را براساس نقش مؤثری که در سرنوشت خود ایفا می‌کند، مدیریت کند.

بنابراین، از «بازخورد» می‌توان به عنوان مغناطیس توجه و ارتباط معلم با دانش‌آموز و دیگر ذی‌نفعان نام برد، چراکه اگر این خاصیت ویژه را، به هر دلیلی، از شغل و رسالت معلمی جدا کنیم، به معنای آن خواهد بود که توان جذب و نگهداشت مؤثر یادگیرنده و خاصیت توان تغییر رفتار او را از معلم گرفتند؛ درست مثل یک قطعه‌ی آهن‌ربا که قادر است فلزی دوازده برابر وزن خود را جذب و از زمین بلند کند، خاصیت مغناطیسی اش را از دست بدهد و در این صورت آهن‌ربا قادر به بلند کردن حتی پرکاهی هم نخواهد بود.



به عبارت دیگر، معلم در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به عنوان کسی که وظیفه‌ای اصلی او آموزش است، وظیفه‌ی پاسخ‌گویی را نیز دارد؛ به این معنا که معلم باید نسبت به آنچه به عنوان مسئولیت و وظیفه‌ی شغلی پذیرفته است، متعهد باشد و به گاه لازم و بایسته در جهت دفاع از تلاش‌ها و مسئولیت‌هایی که به انجام رسانیده است، شواهد و دلایل مستند و مستدل ارائه کند. لذا وقتی با این پرسش رویه‌رو می‌شویم که چه کسانی و چرا مخاطب این بازخورد هستند، مخاطبانی چون دانش‌آموز، والدین، مدیر و معلم سال بعد در ذهن مجسم می‌شوند که در ادامه به‌شکل کوتاه به نوش، وجود و اهمیت آن‌ها به عنوان مخاطبان بازخورد پایانی اشاره می‌شود.

#### الف) دانش‌آموز

واضح است که بازخورد پایانی سبب می‌شود دانش‌آموز به عنوان مخاطب اصلی بازخورد پایانی، نسبت به موقعیت یادگیری خود آگاه شود. براین اساس، لازم است و حتی اهمیت دارد که او از عملکرد خود، در زاهه‌ای زمانی خاصی که یا معلم تشخیص می‌دهد یا قانون معین می‌کند نیز مطلع شود. بنابراین، در نگارش توصیف عملکرد دانش‌آموز، در هر ماده‌ی درسی، سطح فهم مخاطب باید در نظر گرفته شود.

#### مخاطب بازخورد پایانی کیست؟

در ارزشیابی کیفی - توصیفی آگاهانه تلاش می‌شود در فرایند ارزشیابی، زمینه‌ی مشارکت فعال دانش‌آموز و والدین نیز فراهم شود. بی‌تردید، این مشارکت ابزارها و سازوکارهای مشخص و معینی نیاز دارد و یکی از آن‌ها بازخورد پایانی است که در قالب گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی (کارنامه) ارائه می‌شود. تهیه و تکمیل ابزار بازخورد پایانی، به عنوان یکی از وظایف معلم، به‌واقع بازتابنده‌ی تلاش آگاهانه‌ای است که در سایه‌ی جمع‌آوری اطلاعات و شواهدی که با ابزارهای متنوع «پایا» و «روا» صورت می‌گیرند، اتفاق می‌افتد.

#### ب) والدین

همواره آنچه مدنظر بوده و هست، این است که نقش والدین در ارزشیابی کیفی - توصیفی همیاری و همراهی معلم است، تداوم این همیاری نیازمند آگاهی والدین از وضعیت عملکرد دانش‌آموز است که معلم با کمک بازخورد توصیفی به دو شکل فرایندی و پایانی، آگاهی لازم را به آن‌ها ارائه می‌کند. بدین معنا که معلم، به‌شکل فرایندی، به والدین، متناسب با شرایط و موقعیت‌های شغلی و دانشی آن‌ها، بازخورد قابل فهم ارائه می‌کند.

و ضعف‌های یادگیری مطالب و مباحث دروس به دانش‌آموز می‌دهد. دانش‌آموز با استفاده از این بازخوردهای پیوسته، هدفمند، متنوع، توصیفی، ساده و قابل فهم پی می‌برد در چه وضعیتی قرار دارد و چه فعالیت‌هایی باید انجام دهد.

#### ب) بازخورد پایانی

منظور از «بازخورد پایانی» نیز انعکاس، ارائه یا عرضه‌ی رتبه و توصیفی است که سطحی از دستیابی به اهداف را نشان می‌دهد، یا نظر و واکنش معلم نسبت به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز است که در قالب گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی (کارنامه) ارائه می‌شود.

در دوره‌ی ابتدایی (پایه‌های اول تا ششم)، معلم وظیفه دارد طبق ماده‌ی ۳ آیین‌نامه‌ی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی - تربیتی دوره‌ی ابتدایی، با عنایت به وظیفه‌ی پاسخ‌گویی، در دو یا سه نوبت از سال تحصیلی (نوبت اول مهرماه تا پایان دی و نوبت دوم مهرماه تا خرداد ماه و نوبت شهريور هم لغایت ۱۵ شهریور)، با استفاده از شواهد سودمند، معتبر و منصفانه‌ی جمع‌آوری شده در پوششی کار و سایر اطلاعات و مستندات، برای ارائه به ذی‌نفعان (والدین، دانش‌آموز و مدیریت مدرسه) بازخورد پایانی ارائه کند.

این بازخوردها توصیفی خواهند بود و ضمن تحلیل پیشرفت‌ها و ضعف‌های هر دانش‌آموز، سبب خواهند شد والدین و دانش‌آموز بفهمند برای پیشرفت بهتر و بیشتر، گام‌های بعدی آموزش و یادگیری کدام‌ها هستند. لذا معلم، چنانکه اشاره شد، طبق ماده‌ی سه‌ی آیین‌نامه‌ی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، وظیفه دارد در دو یا سه نوبت از سال بازخورد پایانی (در قالب نمونه برگ «الف» سیستم کار توصیفی) به والدین ارائه کند. در این شرایط، معلم با ترکیب و تحلیل اطلاعات بدست آمده، در فرایند ارزشیابی که به تدریج در پوششی کار گردآوری کرده است، گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی خود را، علاوه بر مقیاس رتبه‌ای، به شکل توصیف عملکرد دانش‌آموز می‌آورد. ضمن اینکه علاوه بر تبیین و توصیف وضعیت عملکرد دانش‌آموز، در بخش درسی، به ابعاد غیرشناختی دانش‌آموز در قالب شایستگی‌های عمومی نیز باید اشاره کند.

ماهیت و کمیت فاصله‌ی بین عملکرد جاری با وضعیت مطلوب (معیار) خود آگاه می‌شود. چنانچه توصیف معلم طوری باشد که دانش‌آموز نتواند از آن برای تشخیص فاصله‌ها و کاهش آن‌ها استفاده کند و یا فرصت‌هایی را برای جبران ضعف‌ها و دستیابی به خود نظمدهی و هدایت‌گری فراهم نکند، توصیف معنای خود را از دست خواهد داد. برای اینکه بازخورد توصیفی معلم قابل استفاده باشد، باید ویژگی‌هایی داشته باشد. لذا در هر توصیف عملکردی (فرم الف) انتظار است معلم ویژگی‌های زیر را مدنظر قرار دهد:

**۱- باید زنده و آموزنده باشد:** یعنی روح و جان و احساس داشته باشد. همچنین بتواند در خواننده نفوذ کند و با او ارتباط معنی‌دار برقرار کند. لذا باید دانست که معماری جملات و انتخاب و چینش کلمات هر توصیف عملکردی، اگر تکلیفی و ماضینی باشد، فاقد روح و جان و احساس خواهد بود. در نتیجه، نمی‌تواند و نخواهد توانست با مخاطب خود ارتباط معنادار برقرار کند. در نتیجه، کلامی بی‌تأثیر خواهد بود که جز هزینه‌ی زمانی و روانی، چیز دیگری در پی نخواهد داشت.

**۲- در توصیف عملکرد دانش‌آموز، معلم باید آگاهانه مهمنترین نکات هر ماده‌ی درسی را (معطوف به هدف‌های یادگیری)، به استناد مستندات فرایندی، به صورت جمع‌آوری و سازمان‌دهی شده ارائه کند.**

**۳- مشیت باشد؛** یعنی معلم در توصیف عملکرد دانش‌آموز از عبارت‌هایی مشیت و سازنده که هر دانش‌آموز اعتمادیه‌نفس می‌بخشد و خواندن آن باعث ایجاد انگیزه‌ی درونی در دانش‌آموز می‌شود استفاده کند.

**۴- هر توصیف عملکرد دانش‌آموز باید توصیفی باشد، یعنی به‌طور کلی قابلیت‌ها، توانایی‌ها و قوت‌های دانش‌آموز را آینه‌وار بنمایاند.**

**۵- توصیفی باشد؛** یعنی ضعف‌های یادگیری دانش‌آموز را باحتیاط لازم و به‌گونه‌ای که در او ایجاد نالمیدی و یاس نکند، آورده باشد.

**۶- از بیان عبارت‌های معطوف به شخصیت (برای مثال صفاتی همچون زودرنج، مضطرب، پرحرف، درون‌گرا و برون‌گرا) پرهیز کند.**

**۷- توصیه‌هایی داشته باشد؛** یعنی برای توسعه، بهبود یا

**ج) سایرین**  
مخاطب بازخورد پایانی، علاوه بر دانش‌آموز و والدین، کسان دیگری نیز خواهند بود. از جمله‌ی آن‌ها مدیر واحد آموزشی است که برای ثبت و ضبط سوابق پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز و پاسخ‌گویی به افراد بالادستی، به این بازخورد پایانی نیاز دارد. در برنامه‌ی ارزشیابی کیفی - توصیفی، مدیر راحمی و هدایت‌کنندگانی می‌شناسیم که با نظارت توانمندساز، به تسهیل یادگیری کمک درخوری می‌کند. از دیگر اعضای گروه، اعضای شورای مدرسه برای تصمیم‌گیری، معلم سال بعد دانش‌آموز برای درک درست وضعیت یادگیری دانش‌آموز در پایه‌ی تحصیلی قبلی و اجرای آموزش‌های ترمیمی و تکلیف‌های تمرینی، و پژوهشگرانی که با مجوز وارد مدارس می‌شوند، می‌توان نام برد.  
بنابراین، در توصیف عملکرد، آنچه معلم باید مدنظر داشته باشد، تعیین و تبیین سطحی از شایستگی دانش‌آموز در هر ماده‌ی درسی است که انتظار است معماری واژگان و جملات او بازتاب آن سطح باشد.

## ویژگی‌های توصیف عملکرد در بازخورد پایانی (فرم الف)

بازخورد پایانی زمانی می‌تواند کارآمد و مؤثر باشد که اطلاعاتی به شکل توصیفی در اختیار دانش‌آموز قرار دهد. خود توصیف کردن فعالیتی بسیار ظریف و حساس است. دانش‌آموز با دریافت توصیف‌های معلم، از جایگاه عملکرد خود در رسیدن به هدف‌های کلی آموزشی هر کدام از مواد درسی و همچنین

باز خورد عبارت است از «بازگشت دادن» نتیجه‌ی عملکردهای دانش آموز به دانش آموز توسط محیط (معلم – فراگیرندگان و خود فراگیرنده) و یا ساده‌تر، یعنی همان فرایندی که یادگیرنده را از چگونگی یادگیری خود آگاه می‌سازد و او را در اصلاح و بهبود رفتارش یاری می‌رساند

﴿ آیا به اهداف و نشانه‌های یادگیری ماده‌های درس اشراف  
کامل دارم؟ ﴾

﴿ آیا مراحل رسیدن به هر هدف را به خوبی می‌شناسم؟  
﴿ آیا ویژگی‌های فردی هر دانش آموز را می‌شناسم؟ ﴾

﴿ آیا پوششی کار و سایر مستندات هر دانش آموز را که در فرایند آموزش و به منظور نشان دادن روند پیشرفت تحصیلی دانش آموز، به صورت هدفمند جمع‌آوری، انتخاب و سازمان دهنده شده است، تجزیه و تحلیل کرده‌ام و تفسیر درستی از پیشرفت تحصیلی هر کدام از دانش آموزانم دارم؟ ﴾

﴿ آیا می‌توانم به گونه‌ای توصیف عملکرد دانش آموز را بنویسم  
که سلامت روانی او به مخاطره نیفتند؟ ﴾

﴿ آیا می‌توانم به گونه‌ای توصیف عملکرد دانش آموز را بنویسم  
که خودکارآمدی و کنترل بر یادگیری را در او تقویت کنم؟  
﴿ آیا به اصول نگارشی و املای صحیح کلمات آشنایی کامل  
دارم؟ (لذا قبل از ارائه به ذینفعان، توصیف‌های هر ماده‌ی درسی  
را ویرایش می‌کنم). ﴾

﴿ آیا می‌دانم که مخاطب اصلی توصیف عملکرد هر دانش آموز، علاوه بر دانش آموز، والدین هستند؟ لذا با این پیش‌فرض که والدین نقش همراه دانش آموز را در فرایند یادگیری - یادگیری بر عهده دارند، پس باید ضمن تحلیل پیشرفت‌ها و ضعف‌های دانش آموز، زمینه‌ی پیشرفت او را در رهنمودها و توصیه‌های فراهم کنم. ﴾

\* آیا از مصادیق مقیاس‌های رتبه‌ای (سطح دستیابی به اهداف) خیلی خوب، خوب، قابل قبول، نیاز به تلاش و آموزش بیشتر و نیاز به تلاش و آموزش مجدد (به شرح زیر) آگاهی کامل دارم؟

### \* خیلی خوب:

در صورتی که عملکردهای دانش آموزی در هر درس، براساس اهداف و انتظارات آن درس و اطلاعات حاصل از منابع و ابزارهایی که در سنجش و ارزشیابی او در آن درس مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نشان‌دهنده‌ی دستیابی به هدف ماده‌ی درسی باحداقل نقص و تسلط کامل وی بر فرایند و نتیجه‌ی یادگیری خود و توانایی به کارگیری آموخته‌های در موقیت‌های جدید و غیرتکراری باشد، رتبه (سطح دستیابی) خیلی خوب تعلق می‌گیرد.

اصلاح یا تقویت یادگیری دانش آموز توصیه‌های لازم و رهنمودهای کاربردی ارائه دهد.

از آنجا که هدف رشد یا تحول این است که فرد از کنترل بیرونی خارج شود و از دیگر ساماندهی به خود ساماندهی تغییر کند؛ لذا در توصیه‌ها، موضوع مهم خودنظم‌دهی برای بروش خودکارآمدی باید مدنظر معلم باشد. منظور از خودنظم‌دهی یعنی توانایی اندیشیدن و حل کردن مسائل بدون کمک دیگران. به طور کلی، خودنظم‌دهی به کنترل فرد بر فرایندهای شناختی اشاره دارد. (تفکر و حافظه و ...)

معلم باید در توصیه‌ها سطح توانایی و تحول هر دانش آموز را در نظر داشته باشد. یعنی آنچه می‌نویسد باید قابل درک و دریافت باشد.

توصیه‌ها باید سودمند باشند و دانش آموزان را به این آگاه سازند که چه فعالیتی را انجام دهند تا انتظارات آموزشی به خوبی تحقق یابند.

﴿ جمله‌بندی هر توصیف عملکرد دانش آموز باید ساده، روان و قابل درک (متناسب با خصوصیات روان‌شناختی و سین دانش آموز) باشد؛ یعنی در توصیف عملکرد دانش آموز از مفاهیم و واژه‌هایی استفاده شوند که دانش آموز آن‌ها را می‌فهمد. یعنی چنانکه اشاره شد، مقدار و محتوای باز خورد باید با سطح تحول و توانایی دانش آموز مناسب و متناسب باشد.

﴿ گرچه باز خورد پایانی نیز باشد معلم باید کمترین عبارت‌های ارزشیابی (خوب، خیلی خوب، در حد انتظار، بسیار عالی و ضعیف) را به کار ببرد.

﴿ ضمن رعایت «اقتصاد کلام» باید اصول نگارشی و املای صحیح کلمات نیز رعایت شود. ﴾

﴿ چنانچه معلم توصیف خود را به شکل دست‌نویس می‌نویسد، باید بسیار خوش خط و خوانا نوشته شود. ﴾

### پیش‌نیازهای اصلی باز خورد پایانی

توصیف عملکرد در باز خورد پایانی کار ساده‌ای نیست، به این معنی که علاوه بر تخصص و مهارت معلمی، به برخورداری از سطحی از توان نگارشی نیز نیاز دارد. در زیر پیش‌نیازهای اصلی باز خورد پایانی ارائه شده‌اند؛ انتظار است هر معلمی پیش از نگارش توصیف عملکرد دانش آموز از خود بپرسد:



**نام کتاب:** صفر تا بیست ارزشیابی برای یادگیری  
**نویسنده:** بهمن قره‌داعی  
**ناشر:** زنده‌اندیشان  
**سال چاپ:** اول، ۹۴  
**قیمت:** ۲۰۰۰۰ تومان

**\* نیازمند به آموزش و تلاش مجدد در شهر بورماه:**  
در صورتی که عملکردهای دانش‌آموز در هر درس، براساس اهداف و انتظارات آن درس و اطلاعات حاصل از منابع و ابزارهایی که در سنجش و ارزشیابی او در آن درس، مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نشان‌دهنده‌ی دستیابی به هدف ماده‌ی درسی، با نقایص اندک و آگاهی وی بر فرایند و نتیجه‌ی یادگیری خود و توانایی به کارگیری آموخته‌های خود در موقعیت جدید باشد، رتبه (سطح دستیابی) نیازمند به آموزش و تلاش مجدد تعلق می‌گیرد.

۱. طفاباً یک مثال نحوه‌ی تکمیل فهرست محتوا را بیان کنید؟
۲. آیا نمونه برگ شرح حال باید در پوششی کار دانش‌آموز قرار گیرد؟ در غیر این صورت چه باید کرد؟
- برگ شرح حال تا حدودی خصوصی وارد حریم خصوصی افراد می‌شود و چون غیر از معلم، افراد دیگری همچون گروه همسالان با پوششی کار در ارتباط هستند، لذا توصیه می‌شود برگ‌های شرح حال به صورت مجزا، به‌طوری که فقط خود معلم به آنها دسترسی داشته باشد، نگهداری شوند و در پوششی کار قرار نگیرند. ولی در پایان سال، همراه با پوششی کار تحویل دانش‌آموزان یا ولی آنها شوند.
۳. آیا معلمان باید پایین برگ‌های امتحانی یا تکالیف و ... دانش‌آموزان بازخورد کتبی بنویسند؟ توضیح دهید.
- معلم هم می‌تواند از بازخورد کتبی و هم از بازخورد شفاهی استفاده کند. ولی لازم به ذکر است، کلیه شواهدی که در پوششی کار قرار می‌گیرند، باید بازخورد کتبی داشته باشند.

### \* خوب:

در صورتی که عملکردهای دانش‌آموز در هر درس، براساس اهداف و انتظارات آن درس و اطلاعات حاصل از منابع و ابزارهایی که در سنجش و ارزشیابی او در آن درس، مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نشان‌دهنده‌ی دستیابی به هدف ماده‌ی درسی، با نقایص اندک و آگاهی وی بر فرایند و نتیجه‌ی یادگیری خود و توانایی به کارگیری آموخته‌های خود در موقعیت جدید باشد، رتبه (سطح دستیابی) خوب تعلق می‌گیرد.

### \* قابل قبول:

در صورتی که عملکردهای دانش‌آموزی در هر درس، براساس اهداف و انتظارات آن درس و اطلاعات حاصل از منابع و ابزارهایی که در سنجش و ارزشیابی او در آن درس مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نشان‌دهنده‌ی دستیابی به هدف ماده‌ی درسی با نقایصی کمتر از آنچه مانع یادگیری‌های موفقیت‌آمیز بعدی و به کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های مشابه باشد، رتبه (سطح دستیابی) قابل قبول تعلق می‌گیرد.

### \* نیازمند به آموزش و تلاش بیشتر:

در صورتی که عملکردهای دانش‌آموزی در هر درس، براساس اهداف و انتظارات آن درس و اطلاعات حاصل از منابع و ابزارهایی که در سنجش و ارزشیابی او در آن درس مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نشان‌دهنده‌ی دستیابی به هدف ماده‌ی درسی با نقایصی کمتر از آنچه مانع یادگیری‌های موفقیت‌آمیز بعدی و باشد که مانع یادگیری‌های موفقیت‌آمیز بعدی وی شود، رتبه (سطح دستیابی) نیازمند به آموزش و تلاش بیشتر تعلق می‌گیرد.

ارزیابی معلم					ملأک‌های انتخاب	تاریخ	نوع ابزار	ردیف
۱	۲	۳	۴	۵				
		✓			مفهوم ضرب	۷/۷	آزمون کتبی عملکردی	
✓					تعیین موقعیت جغرافیایی	۷/۲۵	آزمون عملکردی	
		✓			عدد نویسی	۸/۵	آزمون مداد و کاغذی	
		✓			دققت و تمرکز	۹/۱۰	فعالیت هنری، (تکلیف)	
		✓			استفاده از راهبرد حل مسئله (الگوسازی)	۹/۲۵	تکلیف	



نام کتاب: راهنمای آشنایی مادران و پدران با  
برنامه ارزشیابی کیفی - توصیفی  
نویسنده: بهمن قره‌داغی  
ناشر: زنده‌اندیشان  
سال چاپ: اول، ۹۵  
قیمت: ۸۰۰۰ تومان



نام کتاب: تقویت مهارت املات‌ویسی با  
بازخورد توصیفی  
نویسنده: بهمن قره‌داغی  
ناشر: زنده‌اندیشان  
سال چاپ: اول، تابستان ۹۴  
قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

## معرفی اجمالی کتاب‌های دکتر بهمن قره‌داغی

### ۱. راهنمای آشنایی مادران و پدران با برنامه ارزشیابی کیفی - توصیفی

به همه‌ی مادران و پدرانی که فرزندشان در دوره‌ی ابتدایی به تحصیل مشغول است و فردای فرزانگی‌اش را دوست می‌دارند، خواندن این کتاب را، که در آن تلاش شده بازی‌تی تا آنجا که امکان داشته، ساده و قابل فهم، کلیاتی از چیستی، چرازی و چگونگی برنامه ارزش‌یابی کیفی - توصیفی همراه با قوینی و آیین‌نامه‌های مصوب موجود، بیان شود، توصیه می‌نماییم.

### ۲. تقویت مهارت املانویسی با بازخورد توصیفی

این کتاب در پشت جلد، خودش را این‌طور معرفی کرده:  
... با این دشواری‌های فرا رو در املانویسی، که هر حکایتی از آن، درست می‌نمایاند و نمی‌توان بی‌تفکر و تأمل، از آن عبور کرد؛ گاهی از خودم می‌پرسم: «من که طوانشتم خاندن و نوشتن را بی‌حیج ذهن‌مطی برای دیگران، خیلی صادی باید بگیرم! اما واغن بچه‌حای ما، در دیکته نویشی مشکل دارند! باید به صهم خود، حریک کاری بکنیم. راسطی، چکار کنیم؟»

### ۳. صفر تا بیست ارزشیابی برای یادگیری

این کتاب، کامل‌ترین و جامع‌ترین منبع آموزشی در زمینه‌ی ارزشیابی کیفی - توصیفی است که بازی‌تی ساده و قابل کاربرست کلاسی و با مثال‌های فراوان نوشته شده است. نویسنده این کتاب را با نگاه خودآموزی و خودیاریگری، برای دانش‌افزایی، مایه‌وری و مهارت‌بخشی به معلمان دوره‌ی ابتدایی که مجری برنامه‌ی ارزشیابی کیفی - توصیفی می‌باشند و امکان حضور در کلاس‌ها و کارگاه‌های تخصصی را ندارند، تألیف نموده است. مطالعه‌ی این کتاب، برای تمامی معلمان بهویژه معلمان دوره‌ی ابتدایی، استادی، دانشجویان و پژوهشگران حوزه‌ی سنجش و یادگیری مفید می‌باشد.

۴. آیا مدارس مجاز به دادن برنامه‌ی امتحانی هماهنگ مدرسه‌ای در پایه‌های مختلف هستند؟

مجاز نیستند، ولی در پایه‌ی ششم نوبت دوم، برنامه‌ی هماهنگ از سوی مناطق داده می‌شود که نتایج این آزمون‌ها سرنوشت‌ساز نیست و این نکته باید مدنظر همکاران قرار گیرد.

۵. آزمون عملکردی چیست؟ از چه بخش‌هایی تشکیل شده است؟

بخش زیادی از اهداف و انتظارات آموزشی در حیطه‌ی مهارت‌ها قرار دارد و دانش‌آموزان باید بتوانند کاری انجام دهند یا دانشی را که کسب کرده‌اند در شرایط واقعی یا نسبتاً واقعی به کار گیرند. به سخن دیگر، آزمون عملکردی تلاش می‌کند از طریق ارزشیابی «توانستن»‌های دانش‌آموزان، به میزان کسب دانش و معرفت آن‌ها پی ببرد.

## أنواع آزمون عملکردی:

۱. آزمون عملکردی کتبی
۲. آزمون شناسایی
۳. آزمون عملکردی در موقعیت‌های شبیه‌سازی شده
۴. آزمون نمونه کار

## مراحل نوشتمن آزمون عملکردی:

۱. نوشتمن هدف
۲. نوشتمن ملاک‌ها و شواهد
۳. تعیین تکلیف
۴. نوشتمن بافت مسئله
۵. ثبت وسائل لازم
۶. دستور اجرای تکلیف
۷. جدول راهنمای توصیف عملکرد
۸. خودستجو

### پی‌نوشت‌ها

۱. پیش‌نویس جارجوب آیین‌نامه‌ی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی تربیتی شایستگی مجوز.
۲. شخصیت (personality): «مجموعه‌های از رفتار و شیوه‌های تفکر شخص در زندگی روزمره می‌باشد که با ویژگی‌های بی‌همتا بودن، ثبات (پایداری) و قابلیت پیش‌بینی مشخص می‌شود (اتکنسون و هیلگار، ۱۳۹۲).
۳. برای اطلاع از اهداف و نشانه‌های یادگیری هر درس (شش پایه‌ی ابتدایی) به بخش ۹ کتاب: «صفر تا بیست ارزشیابی برای یادگیری» تألیف نگارنده، صفحات ۴۴۸ الی ۵۲۶ مراجعه شود.

# پرسش و پاسخ‌های متد اول در ارزشیابی توصیفی

پرسش‌های آقای دکتر حامد صبوری (استاد دانشگاه) و لیلا شابانی (معلم ابتدایی) در خصوص ارزشیابی توصیفی و پاسخ‌های آقای دکتر قره‌داغی (پژوهشگر، مدرس و مولف برنامه ارزشیابی کیفی - توصیفی)

تغییر نگرش نیاز به برنامه دارد. بمنظور من، با برگزاری گردهمایی‌های منظم و با استفاده از مدرسان آگاه و عالم می‌توان خانواده‌ها را از چیستی این طرح آگاه ساخت.

۱ چگونه والدین را از اهداف ارزشیابی توصیفی و شیوه‌ی اجرای آن آگاه کنیم؟

- \* با توصیف عملکرد باید دانست که استفاده از مقیاس‌های فاصله‌ای (۰ تا ۲۰) و مقیاس‌های رتبه‌ای (خیلی خوب و خوب) مناسب نیست، چون این نوع بازخوردها؛
- \* زبانی قابل فهم برای برقراری ارتباط ندارند؛
- \* تفسیر درستی از موقوفیت‌ها و خطاهای دانش‌آموzan ارائه نمی‌کنند؛
- \* توصیه‌هایی برای توسعه و بهبود یادگیری ارائه نمی‌دهند؛
- \* دانش‌آموز را از روند و چگونگی تلاش، پیشرفت و موقوفیت‌های خود آگاه نمی‌گردانند؛
- \* به دانش‌آموzan کمک نمی‌کنند به طور عمیق با محتوای مباحث درسی درگیر شوند؛
- \* در نتیجه، بنیان یادگیری دانش‌آموzan سست خواهد شد.

۲ چگونه عملکرد دانش‌آموز را به شیوه‌ی صحیح به اطلاع والدین برسانیم؟

کار معلم بررسی پوششی کار به شکل هر روزه یا هفتگی یا ... نیست، کار معلم مدیریت پوششی کار است. دشوارترین کار معلم تعیین شواهد پیشرفت تحصیلی تربیتی است؛ اینکه چه نمونه‌ای، چه زمانی، با چه ابزاری و چرا در پوشش قرار بگیرد.

۳ چگونه تمام پوشش کارهای دانش‌آموزان یک کلاس ۳۰ تا ۴۰ نفره را بررسی کنیم که با کمبود وقت مواجه نشویم؟

شواهد باید آگاهانه و هدفمند جمع آوری و انتخاب شوند. اگر چنین شد، از آنجاکه شواهد موجود باید روند پیشرفت تحصیلی تربیتی را نشان دهند، پس هر نمونه‌ای که در پوشش قرار می‌گیرد، باید تاریخ و بازخورد کامل توصیفی داشته باشد.

۴ آیا تمام شواهد یادگیری (آزمون‌ها، تکالیف و فعالیت‌ها) در پوششی کار دانش‌آموز باید بازخورد کتبی داشته باشد؟

آیا پوششی کار برای تمام درس‌ها است؟ در این صورت چگونه معلم برای همه‌ی دانش‌آموزان کلاسی با تراکم بالا فهرست محتوا را کامل کند؟

### چون:

زبان‌گویای شواهد جمع‌آوری شده‌ی دانش‌آموز و سایر مستنداتی است که معلم مناسب تشخیص داده است.  
بازتاباننده‌ی منظورهای معلم از انتخاب نمونه کارها و شواهد پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز است.  
ابزاری است برای خودکنترلی. بدان معنا که معلم هر وقت بخواهد اثربخشی از پیشرفت تحصیلی تربیتی دانش‌آموز را در پوشش قرار دهد، ملزم به ثبت آن خواهد بود و همین کار سبب خواهد شد معلم از خود بپرسد آیا این نمونه کار هدفمند انتخاب شده است؟ و می‌تواند بیانگر میزان تلاش، پیشرفت و موفقیت دانش‌آموز باشد؟  
براین اساس، اگر شواهد آگاهانه و هدفمند انتخاب و سازمان‌دهی شوند، تعداد شواهد تعریف شده‌اند و معلم مشکلی برای مدیریت زمان نخواهد داشت.



چه برگه‌ها و کارهایی در پوششی کار قرار می‌گیرند؟

- ◊ شواهد مورد انتظار برای هر نمونه کار باید این ویژگی‌ها را داشته باشند:
  - ◊ بیانگر کاربرد آموخته‌ها در زندگی دانش‌آموز باشند. (آزمون‌های عملکردی، سنجش مشاهدهای و ...)
  - ◊ تغییر رفتار دانش‌آموز را نشان دهند.
  - ◊ فرایند یا فرآورده یادگیری دانش‌آموز را در برگیرند.
  - ◊ میزان پیشرفت دانش‌آموز را در دست یافتن به استانداردها و واحدهای یادگیری نشان دهند.
  - ◊ نارسایی‌های یادگیری دانش‌آموز و نحوه‌ی رفع مشکلات و اصلاحات را بیان کنند.
  - ◊ نو، جدید و ابتکاری باشند.

آیا معلم هم به پوششی کار نیاز دارد؟

خیر. پوششی کار معلم همان پوششی کار دانش‌آموز است که هنر و مهارت معلم را در نمایاندن تغییرات یادگیری نشان داده است.

آیا تمام پوشش کارها باید در کلاس نگهداری شوند؟ نحوه‌ی نگهداری پوشش کارها در کلاس‌هایی بدون فضای لازم چگونه خواهد بود؟

آیا همه‌ی پوشش کارها باید یکدست و به صورت کلربوک باشند؟

کلربوک همان پوششی کار است. یکدست بودن از نظر زبان بله، اما محتوایی خیر، چون تابعی از تقاضاهای فردی و بین‌فردی دانش‌آموزان است.

۱۰

## ثبت گزارش پیشرفت تحصیلی به صورت ماهانه الزامی است؟

طبق تبصره‌ی ماده‌ی ۳ آینین‌نامه‌ی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در دوره‌ی ابتدایی، ثبت گزارش ماهانه نیست، بلکه دو بار در هر نوبت لازم است اصل ماده و تبصره را ببینید:

ماده‌ی ۳. گزارش نتایج ارزشیابی پیشرفت تحصیلی - تربیتی دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی و در هر زمان قابل ارائه می‌باشد، لیکن برای اطمینان بیشتر، به صورت رسمی و مکتوب، در نوبت‌های زیر ارائه می‌شود:

(الف) نوبت اول در دی ماه (شامل نتایج ارزشیابی‌های پیشرفت تحصیلی - تربیتی مهرماه تا پایان دی‌ماه)

(ب) نوبت دوم در خردادماه (شامل نتایج ارزشیابی‌های پیشرفت تحصیلی - تربیتی مهرماه تا خردادماه)

(ج) ارائه گزارش پیشرفت تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزانی که در درس یا درس‌هایی در خردادماه نیاز به آموزش و تلاش بیشتر دارند (لغایت ۱۵ شهریور). تبصره. علاوه بر موارد فوق، مدیر مدرسه ملزم است در طول هر نوبت، حداقل دو بار دیگر اولیای دانش‌آموز را ز روند پیشرفت تحصیلی - تربیتی فرزندش، به نحو مقتضی، مطلع کند.

به نظرم برای اینکه عملکرد واحدی اتفاق افتد، این شرح لازم است: باید توجه کرد که در این تبصره، به روشی اشاره شده است «به‌نحو مقتضی». در اینجا تشخیص و تعیین اقتضائات را مدرسه (مدیر و شورای مدرسه) تعیین می‌کند. مثلاً گزارش تنظیم شده برای اولیایی تواند کتبی یا شفاهی باشد، می‌تواند از طریق ارائه‌ی هدفمند پوشه‌ی کار به خانواده‌ها صورت گیرد، یا چیزی شبیه فرم الف نوبت اول، یعنی توصیف عملکرد تمام درس‌ها باشد. مهم این است که خانواده در فرایند آموزش و در طول سال تحصیلی در جریان پیشرفت تحصیلی تربیتی فرزندش قرار گیرد و فردا روزی فرانسد که والدین به مدرسه و معلم مراجعه و ادعا کنند که اگر مثلاً یادگیری بچه‌ی ما در سطح دست‌یابی به هدف‌ها، در مرتبه‌ی قابل قبول بوده، یا ... چرا در طول سال به ما خبر نداده‌اید؟ چرا؟

## چگونه باید گزارش تحصیلی برای هر نوبت ثبت و نوشته شود؟

۱۱

## آیا گزارش هر نیم‌سال باید تایپ شود؟

۱۲

## چرا دوره‌های بازآموزی و ضمن خدمت ارزشیابی توصیفی برای همه مناطق و شهرها برگزار نمی‌شوند؟

۱۳

## چه کار کنیم تا در ارزشیابی توصیفی انگیزه‌ی یادگیری و رقابت سالم در دانش‌آموزان بیشتر شود؟

۱۴

## چرا برخی ادارات از مدارس آمار قبولی می‌خواهند، در صورتی که برخی دانش‌آموزان، طبق مدارک مستند و نظر معلم، نیاز به تکرار پایه دارند؟

۱۵



۱۶

آیا در پایه‌ی ششم یا پایین‌تر، مجاز به استفاده از مقیاس‌های کمی چون نمره هستیم؟ برخی هنوز هم استفاده می‌کنند.

۱۷

نحوه‌ی طراحی سوالات چگونه باید باشد؟

۱۸

آیا ارزشیابی توصیفی یعنی برچیده شدن بساط آزمون‌های کتبی و مداد کاغذی، یا شیوه‌ی اجرایش متفاوت است؟

۱۹

در مدارس چند پایه که معلمان با مشکلات خاصی همچون تعدد پایه‌ها در یک کلاس یا نداشتن مدیر مدرسه روبرو هستند، چگونه می‌توان ارزشیابی توصیفی را محقق کرد؟

۲۰

حجم بالای کتاب‌های درسی و نگرانی از تدریس به موقع آن، وجود برخی دانش‌آموزان دچار اختلالات یادگیری نیز مشکل دیگری است که مانع اجرای ارزشیابی توصیفی می‌شود. با این وضعیت، چگونه می‌توان ارزشیابی را به شیوه‌ی درستی اجرا کرد؟

۲۱

سریاز معلمان و نیروهای تغییر خدمتی (از سوابیداری و ... به معلمی) که هیچ دوره‌ای ندیدند، چگونه ارزشیابی توصیفی را اجرا کنند؟

۲۲

آیا معلمان می‌توانند زیر برگه‌های دانش‌آموزان از مقیاس‌های استفاده کنند؟ در غیر این صورت، برگه‌های امتحان‌ها، فعالیت‌ها و ... چگونه ارزیابی شوند؟

۲۳

آیا معلمان پایه‌ی ششم می‌توانند نمره برای ارزیابی برگه‌ها استفاده کنند؟ و البته تعداد کثیری در حال انجام این کار هستند.

۲۴

آیا برای همه‌ی دروس نوشتن فهرست محتوا در داخل پوشه‌ی کار دانش‌آموز نیاز است؟

طبق قانون، استفاده از عدد به جای بازخورد ممنوع است و تن دادن به هر ممنوعی، خود جرم است. شرح آن در پرسش‌های قبلی بیان شد.

در آزمون مداد کاغذی ترتیب پرسش‌ها خود متداشت. در آزمون عملکردی نیز که عموماً از ساده به دشوار اتفاق می‌افتد.

آزمون ابزار سنجش یادگیری است، مگر می‌توان آن را برجید؟! آزمون هماهنگ و مؤسسه ساخته و بازاری و کاسبکارانه ممنوع است. معلم باید به طریقی بفهمد یادگیری اتفاق افتاده است یا خیر!

ارزشیابی کیفی توصیفی یعنی بازخورد مؤثر و بازخورد مؤثر یعنی یادگیری بهتر، پس هر معلمی در هر کلاسی، اگر می‌خواهد مؤثر باشد، باید متداشت از همین بازخورد توصیفی را یاد بگیرد و این در مدارس کوچک ساده‌تر است.

اگر بپذیریم هر دانش‌آموزی که به مدرسه می‌آید، انتظار دارد یک گام به جلو بدارد، دیگر نگران ضعیف یا قوی بودن دانش‌آموز نمی‌شویم، ظرفیت هر دانش‌آموزی در دستیابی به اهداف تابع توانایی‌های اوست و یکسان دیدن و یک انتظار داشتن از همه ابهام و مسئله و چالشی جدی است که باید این را خوب درک و درونی کرد.

اگر بپذیریم هر دانش‌آموزی که به مدرسه می‌آید، انتظار دارد یک گام به جلو بدارد، دیگر نگران ضعیف یا قوی بودن دانش‌آموز نمی‌شویم، ظرفیت هر دانش‌آموزی در دستیابی به اهداف تابع توانایی‌های اوست و یکسان دیدن و یک انتظار داشتن از همه ابهام و مسئله و چالشی جدی است که باید این را خوب درک و درونی کرد.

آن‌هایی که چنین افرادی را به کار گرفته‌اند باید این سوال را پاسخ‌گو باشند. من معتقدم، تغییر در ساخت شناختی آدم‌ها به زمان نیاز دارد.

خیر. دلایل آن بیان شد. ضمن اینکه به این نکته خوب توجه شود که مخاطب معلم ابتدایی زیر ۱۳ سال است و این گروه سنی ویژگی‌های روان‌شناختی خاص خود را دارند. مثلاً به مرحله‌ی فراشناخت نرسیده‌اند.

این را قبل‌پرسیده‌اید و گفتم جرم است. هر کس آگاهانه این عمل را انجام می‌دهد، از نظر من درک درستی از مبانی سنجش به عنوان یادگیری ندارد.

این پرسش را نیز قبل‌پاسخ دادم و در نهایت بله.

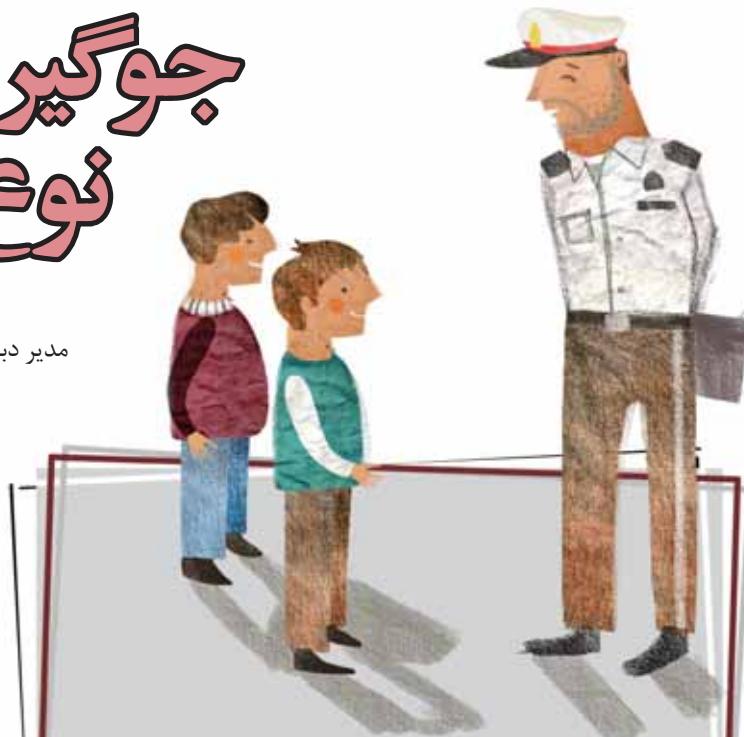
این بخش با خاطره‌ها و تجربه‌های شما معلمان پُریار می‌شود. لطفاً برای ما از خاطره‌ها و تجربه‌هایتان بگویید.

# جوگیر شدن از نوع پلیسی

طوفان شیروانی

مدیر دبستان زنده‌یاد حاج کاظم عارف‌گز  
شاهین شهر

تصویرگر: نسیم نوروزی



تقریباً نیم ساعت به زنگ آخر مانده بود که مأموران راهنمایی و رانندگی برای آموزش به دیستان ما آمدند. دانشآموزان را به نمازخانه بردیم. آن‌ها با شور و هیجان به صحبت‌های مأموران گوش می‌دادند و به سوال‌ها پاسخ می‌دادند.

برنامه تمام شد. زنگ زده شد و دانشآموزان با هیاهو به طرف خانه‌هایشان روان شدند. مأموران در حال تکمیل صورت جلسه بودند که چند دانشآموز وارد دفتر شدند و گفتند: «ما با سرویس نرفتیم».

با تعجب پرسیدیم: «چرا؟»

گفتند: «آقای پلیس گفتند، اگر کسی را که نمی‌شناسید آمد دنبالتان با او نروید!!»

مأمور راهنمایی و رانندگی گفت: «ما گفتیم اگر ماشین دیگری غیر از سرویس شما بود، با او نروید. الان که همه‌ی دانشآموزان سوار سرویس شدند و رفتند و مشکلی نبود!». فهمیدیم از قضا همان روز، راننده‌ی سرویس آن‌ها به‌جای کس دیگری آمده است. برای همین، دانشآموزان سوار آن ماشین نشده بودند. مجبور شدیم به اولیا‌یشان اطلاع بدھیم. اولیا هم آمدند و بچه‌هایشان را برداشتند. اسم این ماجرا را گذاشتیم جوگیر شدن پلیسی!

# نمک کلاس



مریم باغ گلشنی  
آموزگار - یزد

- سپهر حان، می‌شود از زیر میز بیایی بیرون پسرم؟ سپهر، لطفاً سرت را از جامیز بیاور بیرون!! باشه گل پسرم، لطفاً الان بنشین. بعد از تمام شدن درس درباره‌اش با هم صحبت می‌کنیم.

این جملات هر روز بارها بین من، آموزگار کلاس سوم دبستان پسرانه‌ی حضرت جواد(الائمه) (ع) و سپهر، دانش‌آموزی که در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ شاگرد من بود، رد و بدل می‌شد، اما تغییر چندانی در رفتار این پسر درس خوان اما پر جنب و جوش با آن قد بلند دیده نمی‌شد، تا اینکه تصمیم گرفتم از بچه‌ها بخواهم هر کدام موضوعی دلخواه را برای تدریس انتخاب کنند. به مدت ده تا پانزده دقیقه جای خود را با من عوض کنند و به عنوان معلم کلاس روی صندلی من بنشینند و برای من و دوستاشان صحبت کنند.

در ضمن، به آن‌ها گفتم می‌توانند درس‌هایی مثل «هدیه‌های آسمان» یا «مطالعات اجتماعی» را انتخاب کنند. این پیشنهاد باعث خوشحالی زیاد بچه‌ها شد.

بچه‌های کلاسم با شادمانی درباره‌ی چند و چون کار سؤال می‌کردند و من برای روشن شدن موضوع به آن‌ها توضیح دادم که با دقت به موضوعی که دوستشان درباره‌ی آن صحبت می‌کند، گوش کنند و در پایان کار، ابتدا خوبی‌ها و نکات مثبت کارش و سپس اگر ایرادی داشت، آن را به بهترین شکل برایش بیان کنند. گفتم: «هدف از این کار این است که بتوانند با آرامش و به درستی در جمع صحبت کنند.»

چند روزی از شروع کار بچه‌ها می‌گذشت که سپهر تصمیم گرفت مطلبی از کتاب «هدیه‌های آسمان» را تدریس کند. آن روز، من در نیمکت آخر کلاس و به جای سپهر نشستم و او کارش را شروع کرد. چند دقیقه که گذشت، رفتم زیر میز! یکی از دانش‌آموزان گفت: «سپهر! خانم زیر میز است!»

من سریع از زیر میز آمدم بالا و لبخند سپهر را دیدم بعد از مدتی، سرم را توی جامیز کردم که دوباره یکی از بچه‌ها گفت: «سپهر! خانم گوش نمی‌دهد!»

سپهر نگاهم کرد و زیباتر از قبل خنده و به کارش ادامه داد. پس از چند لحظه، دستم را به جعبه‌ی مداد رنگی داخل قفسه‌ی کلاس زدم که جعبه‌ی فلزی مداد رنگی‌ها با صدای بلندی به زمین خورد و مدادها روی زمین ریختند. بچه‌ها از ته دل خندي‌ند. حسام گفت: «سپهر! خانم امروز سپهر شده! می‌فهمی؟!»

سپهر با خنده به من نگاه کرد و گفت: «دخترم! راحت باش! تو نمک کلاسی عزیزم!»  
از آن روز به بعد، بچه‌ها سپهر را «نمک کلاس» صدا می‌کردند!

# سکوت لیلا

اشرف السادات فخیم پور  
مربی پیش دبستانی پسرانه حضرت  
جواد الائمه(ع) ناحیه ۲ یزد

سکوت سنگین لیلا، بی علاقگی او  
برای بازی با دوستانش و بعض صدایش فکر  
را به خود مشغول کرده بود. دلم می خواست  
بدانم در ذهن لیلا چه می گذرد و چه چیزی  
ذهنش را مشغول کرده که دختری بالرژی و  
پر حنبو جوش مثل او را به سکوت واداشته است.  
زمانی که درس می دادم، به یک نقطه خیره  
می شد و هرچه صدایش می کردم، در رویای خود  
بود. یک روز گچ را کنار گذاشت و گفت: «بچه ها!  
می خواهم یک کار جالب را با هم تجربه کنیم؛ یک  
بازی. چه کسی موافق است؟»  
همه دستها بالا رفتند.  
- «چشم هایتان را بینید و به یک خاطره یا اتفاق یا هر  
چیزی که ذهنتان را مشغول کرده است فکر کنید.»  
بعد از چند لحظه، گفت: «چشم ها باز!» از فاطمه شروع کردم: «فاطمه،  
عزیزم! دلت می خواهد برای بچه ها بگویی به چه فکر می کنی؟»  
فاطمه از عروسی خاله اش گفت که قرار است آخر هفته برود. نگرانی او این بود که مامان برایش تلی را که او می خواهد  
می خرد یا نه؟  
بعد از صحبت های فاطمه، رفتم سراغ لیلا گوشی چشمانش پر از اشک بود. با بعض گفت: «خانم اجازه به جوجهام  
که مرد فکر می کردم. به خدا تقصیر من نبود...» و دیگر گریه امانش نداد تا حرفش را تمام کند.  
برای دلداری دادن به او گفتم: «معلوم است عزیزم که تقصیر تو نبودا تو جوجهات را خیلی دوست داشتی!  
می خواهی در مورد اتفاقی که برای جوجهات افتاده است صحبت کنی؟» با سر جواب داد: «نه». رو به بچه ها کردم  
و گفتم: «بچه ها بباید برای لیلا جوجههای کاغذی درست کنیم و این جوری با او همدردی کنیم.»  
از فردا دیگر لیلا شده بود لیلای قبلی؛ پرانرژی و پر جنب و جوش.

علاقة به آموزش و بودن در کنار بچه‌ها باعث شده بود امسال هم فعالیت‌های آموزشی و تربیتی ام را با انگیزه‌تر از سال‌های قبل، در مدرسه‌ی جدید و با دانش آموزان جدید شروع کنم. وارد کلاس که شدم، بر قشممان همه‌ی آن‌ها داد می‌زد که قرار است چه روزه‌ایی را در کنار هم سپری کنیم. شیطنت بچه‌ها به حدی بود که تعیین نماینده، اطلاع به دفتر مدرسه و حتی صحبت‌های خودم هم چندان تأثیرگذار نبود. یک ماه از شروع مدرسه می‌گذشت و این وضع همچنان ادامه داشت. فکر آرام کردن بچه‌ها و تمرکز بیشتر آن‌ها روی درس، ذهنم را به خودش مشغول کرده بود تا اینکه یک روز تصمیم گرفتم از خود بچه‌ها برای این کار کمک بگیرم. به آن‌ها گفتم، برگه‌های کوچکی آماده کنند و روی آن بنویسند چه کارهایی بد است و نباید در کلاس انجام داد. در واقع، می‌خواستم از خودشان برای اداره‌ی کلاس کمک بگیرم. نظرها را که نوشته‌اند، از نماینده خواستم برگه‌ها را جمع کنم. به دقت همه‌ی آن‌ها را خواندم. یک مقوای سفید تهیه کردم و از وسط خطی عمود در آن کشیدم. در یک سمت، اسمای بچه‌ها و در سمت دیگر کارهایی را که به نظرشان بد می‌آمد، نوشتیم. قرار بر این شد که با هر کار خوب و بد، یک علامت مثبت یا منفی برای هر کدام ثبت کنیم. هر سه کار بد هم امتیاز یک کار خوب را زین می‌برد و با داشتن سه امتیاز مثبت، به آن‌ها کارت تلاش داده می‌شد. شوق گرفتن جایزه و علامت‌های روی مقوا باعث شد بچه‌ها مراجعات کنند و اندکی از شیطنتشان کاسته شود. اینک این مقواست که هر روز بر دیوار کلاسمان خودنمایی می‌کند. گاهی از علامت‌هایش کاسته می‌شود و گاهی به آن‌ها اضافه می‌شود.



# مبصر کاغذی

سیده طبیبه اندر واژ  
آموزگار پایه‌ی چهارم  
دبستان هیئت امنایی  
شهیدان نوروزی و رضابی  
شهرستان ساری ناحیه‌ی یک



اینجا صفحه‌ی معلمان صفر کیلومتر است؛ صفحه‌ای که تصمیم گرفتیم در آن اولین‌های چند معلم را ثبت کنیم. اولین دلخوشی، اولین ترس، اولین غم.

جواد، آناهیتا و رضا نیز اولین معلم‌هایی بودند که داوطلب شدند پله به پله تمام تجربیات اولین سال تدریسشان را در اختیار ما بگذارند. البته آناهیتا در مرحله‌ی دوم از ادامه‌ی بازی انصراف داد. اما از این شماره یک مهمان جدید به جمع ما اضافه می‌شود: تکتم.

تکتم عارفخانی در روستای طالبی بخش سر ولایت نیشابور، معلم یک کلاس چند پایه است. به نسبت جواد و رضا انرژی بیشتری پشت کلماتش پنهان کرده است و امیدواریم با این همه انرژی معلمان دهه‌ی هفتادی، این صفحه برای شما به یک صفحه‌ی پرانرژی تبدیل شود.

# معلم صفر کیلومتر

زهرا صنعتگران



## بر تکتم چه گذشت؟

- همیشه به دبیری علاقه داشت، اما تصور نمی کرد از طریق دانشگاه فرهنگیان وارد این حرفه شود. دلش می خواست ادبیات عرب یا روان شناسی بخواند.
- به انتخاب خودش پایه های اول و دوم را انتخاب کرد. به نظر او سروکله زدن با کلاس سومی ها به بعد سخت است؛ چرا که آن ها به قالب مدرسه عادت کرده اند و نسبت به معلمان پیش داوری دارند.
- تکتم ترجیح می داد اولین نفری باشد که خواندن و نوشتن را به شاگردانش یاد می دهد.
- پیش از شروع سال تحصیلی، بزرگترین ترس تکتم این بود که در یک منطقه دور مجبر به تدریس باشد و خانم عارفخانی این روزها معلم یک منطقه دور است.
- مدیر و معاونان مدرسه این معلم دمه هی هفتادی را خانواده های دانش آموزان روستا ترانسنده بودند. او فکر می کرد باید با هر دانش آموز مطابق توصیه های مدیر عمل کند، اما این کار را نکرد.
- برخلاف تصور تکتم، خانواده ها با شیوه برشوره متفاوت خانم معلم مشکلی نداشتند.
- عارفخانی حدود ۳۵ درصد ایده های پیش از معلم شدنش را به اجرا درآورد. او نسبت به آینده خوش بین است و معتقد است شش ماه دیگر برای اجرایی کردن باقی ایده آل هایش فرصت دارد.
- تکتم، مثل یک دهه هفتادی اصیل، شاگردان او از اینکه معلم شان اینستاگرام را می شناسد، می تواند صدایش را تغییر دهد، نمایش بازی کند و در انتخاب نقش دانش آموزان را آزاد بگذارد، خوش حال آند.
- او از خانواده های دانش آموزان اجازه گرفته است که بچه ها را بزندا! البته دست پیش گرفته است تا پس نیافتد. یاسین اولین دانش آموزی بود که صدای داد زدن خانم معلم را شنید. اطلاعات رسیده حاکی از این است که یاسین ترجیح می داد پسر خوبی شود، اما پیش مدیر نزود. یاسین بچه خوبی شد! حالا حوزه می مزاحمت ش فقط خندانی بچه هاست. دیگر مثل روزهای اول کسی را اذیت نمی کند.
- تکتم عارفخانی تا امروز به غلط کردم نیافتاده است. او مشکلی با معلمی ندارد و دلش می خواهد ۱۵ تا شاگردش را بدارد ببرد جایی که کسی به شیوه آموزش گیر نمی دهد و سر کلاس تفکیش نمی کند.
- عارفخانی حس می کند نسبت به هم سن و سالانش بزرگ تر شده است. او باورش نمی شد در عرض یک سال رفت و آمد به اداره و سروکله زدن با بچه های مردم، تا این حد روحياتش تغییر کنند. همین معلم دمه هی هفتادی سال قبل، بعد از هر جلسه کارورزی، یک دور غر می زد و گریه می کرد، اما امسال نه مدیر و نه دوستانش، هیچ کدام از مشکلات داخل کلاس تکتم باخبر نیستند.



تکتم عارفخانی با شاگردانش

## به روال سابق سؤالات مشترک از رضا و جواد چه خبر؟

### بزرگترین مشکل یک ماه اخیر این سه معلم چه بود؟

**جواد:** یکی از بچه ها مشکل اختلال یادگیری دارد، اما ما هنوز مرکز درمان اختلال نداریم. یک مدت با توجه و جایزه اوضاع بهتر شد، اما حال هر روز جایزه می دهم و تعییری در وضعیت کلاس ایجاد نمی شود. جدای از این، مشکل مدیریت وقت دارم. معلم های دیگر پنج دقیقه دیرتر سر کلاس می روند و ده دقیقه هم زودتر تعطیل می کنند، اما من، با اینکه گاهی زنگ تفريح ها را هم می مانم، باز عقبم!

**رضا:** والدین در کل از شیوه هی آموزش ضرب و تقسیم آگاهی نداشتند. مجبور شدم چند جلسه کلاس برای والدین بگذارم. اوضاع به نسبت قبل بهتر شده است، اما این امتحان گرفتن ها و نمره های بد بچه ها کلافا م کرد.

**تکتم:** بزرگترین مشکل من تفاوت نسل و فرهنگ بود. بعضی وقتها خود مدیر و نظام گیر نمی دادند؛ اما مثلاً اینکه به فلان معلم می گفتی برگه را بده، در دسیر درست می کرد. منظورم درس قانونی نیست؛ در دسیر هنجری و عرفی. ما با توجه به اینکه از یک شهر دیگر می آمدیم، تنها کسانی که می شناختیم، همان مدیر و معلم های مدرسه بودند. این غیرطبیعی نیست که یک معلم برای گرفتن نفت، خردمندانه سخت یا تعمیرات، از کسانی که آن ها را می شناسد، کمک بگیرد، اما از نظر بعضی از معلم های بومی، تمام این کارها هنجرashکنی به حساب می آمد و اذیتم می کردد.

### بچه ها کدام رفتار معلم شان را دوست ندارند؟

**رضا:** فکر می کند سخت گیرم، حتی به طور علني گفتند معلم سال قبلشان جواب سؤال ها را می داد و من نمی دهم. مدام غر می زند و انتظار دارند من هم مثل معلم سال قبلشان، تا از پس یک سؤال برنیامندن، جواب را روی تخته بنویسم.

**جواد:** از اینکه خیلی پای تخته نمی برمیشان شاکی اند. ما بیشتر با کاربرگ کار می کنیم و حل تمرین گروهی داریم، اما بچه ها عادت دارند پای تخته بیایند. حتی خانواده هایشان



هم فکر می کنند اگر بچه ها پای تخته نیایند  
یعنی چیزی یاد نگرفته اند!

**تکتم:** فکر می کنند زیادی جدی ام، چون  
چندبار که خنده دیدم، همه ذوق می کردند و  
جیغ می زدند وای خانم خنده دیدها لباس های  
تیره هم که پوشم، کلافه ام می کنند. تا  
اما متأسفانه، من این طور موقع برای اینکه داد  
زنم، در کل جواب هیچ کس رانمی دهن!

**جواد، رضا و تکتم در این شش ماه چه**  
**تجربه ای به دست آورده اند؟**

**تکتم:** اوایل مشکلات کلاس را در دفتر  
عنوان می کردم، اما به مرور فهمیدم نیازی به  
این کار نیست و باید بیشتر مدیر کلاس خودم  
و مورد اعتماد بچه ها باشم.  
**رضاء:** نباید بچه ها خیلی صمیمی می شدم.  
از یک جایی به بعد کنترل اوضاع از دستم خارج  
شد. بچه ها همه چیز را به شوخی گرفتند و  
می خواستند فقط هر کاری را که آن ها دوست  
دارند در کلاس انجام بدهم.

**جواد:** نباید فقط بر اساس درس بچه ها را  
گروه بندی می کردم. زمان گروه بندی حواس می  
تنوع فرهنگی، مذهبی و قومیتی داشت که این  
نبود. نمی خواستم فضای قطبی در کلاس به  
وجود بیاورم. البته هنوز هم نمی دانم چکار  
کنم؟ در هر گروهی می فرستم شان، صحبت نشده  
پدر یکی می آید که فلاٹی راز گروه بچه هی من  
دربیاور! فعلاً تصمیم گرفته ام گروه ها را به جای  
پنج نفر سه نفری کنم. این طوری اقلیت های  
هر گروه فشار کمتری تحمل می کنند. در

بعض، برای اینکه پدر و مادرها هم راضی  
باشند، قرار شد تکالیف خانه را هم گروهی  
به داشت آموز با همسایه های خودش  
یک گروه جدا در محلی خودشان باشد.  
**رضاء:** شاگردان من اسطوره‌ی غرغرنده، این غر  
زدن شان از هزار جور شورش بدتر است.

**آنها در مواجهه با کلاس نامطلوب چه**  
**می کنند؟**

**رضاء:** بیشتر سعی می کنم با حرف توجیه شان  
کنم، مثلاً یکبار گفتمن اگر من هم مثل معلم  
سال قبلتان عین جواب را بدهم، چیزی یاد  
نمی گیرید. یکی غر زد که حالا مثلاً باد گرفتن  
این درس ها به چه درد ما می خورد؟ آنجا به

کاربرد عینی تر مباحثت درس فکر کردم و از  
خود روستا برایشان مثال زدم. آن یک بار این  
موضوع واقعاً در همراه شدن بچه ها کمک کرد.

**جواد:** اوایل تمرین کاغذی بیشتری می دادم.  
آن قدر تمرین می دادم تا ساخت شوند. اما  
تازگی ها یک فایل ورد آمده کردند که وقتی  
بچه ها فایل را می بینند، دستشان می آید  
ممکن است داخل شن تمرین باشد و خودشان  
هم دیگر را ساخت می کنند. شاید راه حل من

**جواد:** مسئله‌ی گروه ها خسته ام می کند.  
هنوز نالمید نالمید نشدام اما مثلاً دلم  
می خواست بچه ها بیشتر به فکر هم باشند  
و سرگروه ها فقط برای نمایش و بالاتر بردن  
خودشان کار نکنند. جدای از این، چیزی که  
نالمیدم کرده، رفتار خشک و بدون انعطاف  
مدیر و ناظم است. به نظر مسئولان مدرسه‌ی  
ما، مدرسه همین میز و نیمک است که  
نسبت به زمان بچکی آنها بهتر شده! حتی  
نمی گذارند نصف کلاس را موکت کنم، بچه ها  
را به اردو ببرم با خود تمجه زنات کمک درسی  
بیاورم.

**تکتم:** وقتی یک هفته برای درس دادن یک  
مبحث وقت می گذارم اما بچه ها چیزی باد  
نمی گیرند، تمام باورهایم نابود می شوند. این  
موضوع مأیوس می کند. در مورد ترس هم،  
از اینکه شبیه بقیه معلمان سن دار و سرد  
 بشوم، وحشت دارم. فکر می کنم الان تنها برگ  
برندام همین تفاوت است و اگر همان راه  
نداشته باشم، تمام زندگی ام هدر رفته است.

**نسل جدید معلمان برای اینکه خستگی شان**  
**در بروز چه می کنند؟**

**تکتم:** آخر هفته ها می روم خانه و یک بند،  
خطاطرات شنبه ساعت ۸ تا چهارشنبه ساعت  
۱۲ را برای مادرم تعریف می کنم. درباره‌ی  
مسائل دیگر، از پدرم که خودش مدیر مدرسه  
بوده، یا معلمی که دوران کارورزی سر کلاس شن  
می رفت، کمک می گیرم و تلاش می کنم برای  
شروع هفته بعد کمی سرحدل تر باشم.

**جواد:** سعی می کنم در وقت های آزادم روی  
درس هایی که هیچ وقت در دانشگاه نخوانده  
بودم وقت بگذارم، یا راه حل مشکلاتم را از  
این طرف و آن طرف جست و جو کنم تا لاقل  
هر هفته با مشکلات تکراری روبرو نشوم و  
روی غلتک بیفتم.

**رضاء:** اگر خیلی خسته باشم، می روم سراغ  
کوه یا پیاده روی، اما وقت هایی که کلاس ضمن  
خدمت می گذارند، وقت را برای کلاس خالی  
می کنم. راستش در دانشگاه -شاید چون هنوز  
وسط بحران درس دادن گیر نکرده بودیم-  
فکر نمی کردیم باید چیزی باد گرفت. اما الان  
بعضی از این کلاس ها، با اینکه کلاس اند و  
تفريحی ندارند، می توانند با یکی دو تا نکته‌ی  
کاربردی خستگی ام را در کنند.

# حمله به اغتشاش

معلم پاسخ دهنده.  
ممکن است این رفتار  
به خاطر نیاز آنها به مورد  
توجه واقع شدن باشد. در چنین  
مواردی، به این‌گونه دانش‌آموزان  
توجه بیشتری می‌کردم، اما مهم این بود  
که آن‌ها هم یاد بگیرند برای جواب دادن به  
سؤال با بلند کردن دست خود نوبت بگیرند تا  
همه بتوانند در فعالیت‌های کلاسی مشارکت کنند.  
برای ترغیب آن‌ها به رعایت این نکته، هر فردی که با  
اجازه گرفتن صحبت می‌کرد، می‌توانست نماینده‌ی بعدی  
کلاس یا مسئول حضور و غیاب دانش‌آموزان باشد.

گاهی اوقات احساس می‌کردم برخی دانش‌آموزان فقط  
قصد دارند با شلوغ کردن حوصله و صبر مرا محک بزنند.  
برای برهم زدن این نقشه به آن‌ها توجهی نمی‌کردم و به  
انگیزه‌ی آن‌ها پاداش نمی‌دادم. پس از مدتی این رفتار  
نیز خاموش می‌شد. گاهی نیز برای ایجاد تنوع و در عین  
حال حفظ نظم کلاس، زیرلیب صحبت می‌کردم. با این کار  
دانش‌آموزان کنجکاو می‌شدند و چون دوست داشتند  
همه‌ی صحبت‌ها را بشنوند، به جای سروصدای کم  
سکوت برقرار می‌شد. برای جلب توجه دانش‌آموزان  
حوالی پرت، از یک دانش‌آموز می‌خواستم سؤال را دوبار  
طرح کند و سپس از دانش‌آموزی که به کلاس توجه  
نمداشت، می‌خواستم به سؤال پاسخ دهد. این کار باعث  
می‌شد دانش‌آموزان بکوشند متوجه کلاس باشند.

معلم نمی‌تواند و نباید جلوی تحرک دانش‌آموزان  
را بگیرد. پس گاهی اوقات برای ایجاد شادابی و نشاط  
بیشتر، تدریس را در فضای بزرگ‌تری انجام می‌دادم تا  
آن‌ها بتوانند با هم و به صورت گروهی کار کنند. یک سویه  
بودن فعالیت معلم و منفعل بودن دانش‌آموزان در هنگام  
یادگیری به خستگی زودرس آن‌ها و در هم ریختگی کلاس  
می‌انجامد.

در نهایت متوجه شدم، معلم باید:

۱. بتواند به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزانش توجه و آن‌ها را شناسایی کند و به رسمیت بشناسد.
۲. اغتشاش را فرست تلقی کند، نه تهدید.
۳. رایطه‌ی دوستانه‌اش را با دانش‌آموزان تقویت کند.
۴. با ایجاد انگیزه و شوق یادگیری در دانش‌آموزان، انتخاب تکالیف مناسب و متنوع و دادن بازخورد به موقع در زمینه‌ی فعالیت‌ها، در مدیریت مؤثر کلاس بکوشد.

دکتر نیره شاه‌محمدی

اولین سال

فعالیتم به عنوان معلم،

تعداد ۴۵ دانش‌آموز در

کلاس حضور داشتند. کنترل

کلاس برایم سخت بود. همواره با

دوسته، دانش‌آموز مشکل‌ساز رو به رو

بودم؛ دسته‌ی اول دانش‌آموزانی بودند که

مشاجره می‌کردند، فریاد می‌زدند، بدون نوبت

صحبت می‌کردند، مدام از جای خود بلند می‌شدند و

نسبت به دوستان خود بی‌ابدی می‌کردند.

و دسته‌ی دوم دانش‌آموزانی که تکالیف خود را انجام

نمی‌دادند، از تمرينی به تمرين دیگر می‌رفتند، برای پاسخ

به سؤال اجازه نمی‌گرفتند و باقیه رعایت ادب نمی‌کردند.

هر دو گروه از نظر من اخلاقگر بودند. کم کم متوجه شدم

هر کدام از این دو گروه برخورد متفاوتی را می‌طلبید. من با

توجه به مفهوم تفاوت‌های فردی، برآن شدم این موضوع

را درباره‌ی دانش‌آموزانم بررسی کنم. البته به مرور زمان

احساس کردم در مقابل رفتار چنین دانش‌آموزانی صبور‌تر

شده‌ام.

تصمیم گرفتم برای کنترل پرحرفی دانش‌آموزانم از

شیوه‌ی بحث و گفت‌وگو در گروه‌های کوچک استفاده کنم.

برای اجرای بهتر این فعالیت، درباره‌ی وظایف و زمان

هر فرد برای صحبت در گروه، توضیحات لازم را دادم.

مدیریت زمان و رعایت نوبت هر فرد توسط دیگر اعضای

گروه را نیز به عهده‌ی یک سرگروه گذاشتم. او مراقب

بود هر دانش‌آموز در محدوده‌ی زمانی مشخص شده‌ی

خود نظراتش را بیان کند. گاهی خودم نیز برای تشویق

دانش‌آموزان کم حرف دخالت‌های کوچکی می‌کرم،

مثلاً با طرح سؤال‌هایی آن‌ها را به صحبت کردن ترغیب

می‌کرم.

برای جلوگیری از بازیگوشی و جنب‌وجوش بیش از حد

برخی از دانش‌آموزان در کلاس، در انجام فعالیت‌هایی

مانند جمع‌آوری تکالیف دانش‌آموزان یا مرتب کردن کلاس

از آن‌ها کمک می‌گرفتم. با این کار حسن مسئولیت‌پذیری

در آن‌ها تقویت می‌شد. نتیجه این بود که به رفتارهای

مطلوبی مانند گوش دادن و سؤال کردن از معلم و رعایت

نظم کلاس بیشتر توجه کنند.

معمول‌ا در هر کلاس دانش‌آموزانی هستند که برای جلب

توجه معلم و همکلاسی‌های خود سروصدای خودنمایی

می‌کنند یا بدون نوبت و با سروصدای خواهند به سؤال

# ظرافت‌های معلمی،

تکه‌ی  
گمشده‌ی

## مدیریت کلاس

فریبا سروری عموقین  
معلم دبستان  
کاظمیه،  
ناحیه ۲  
ساری

### هماهنگی و عدالت

برای داشتن عملکرد موفق، بچه‌ها باید بدانند معیارهای وضع شده‌ی معلم دستخوش تغییر غیرمنتظره و استبدادی نمی‌شود. معلم بدون هیچ دلیل خاصی میان شاگردان فرق نمی‌گذارد و در کار و رفتار با شاگرد یا با کل کلاس، حتی در روزهای مختلف، رفتارهایی آشفته و متغیر بروز نمی‌دهد. هماهنگی در کار معلم با مفهوم عدالت پیوسته است، ظاهرا عدالت جایگاه خاص و پر اهمیتی در نظر شاگردان دارد.

### قابلیت‌های انعطاف در مواجهه با مشکلات

برخی از رفتارها در مقوله‌ی خاصی جای نمی‌گیرند و بهطور غیرمنتظره روی می‌دهند یا بخشی از سلسه متفاوت‌هایی هستند که کار معلم را شکل می‌دهند. بچه‌هایی که در زمره‌ی این اختلال عادی جای نمی‌گیرند ممکن است ناگهان عملی میهم انجام دهند یا توسط افراد خارج از کلاس اختلالات غیرمنتظره‌ای رخداده و به شکل یک مانع عمل کند (اتفاق مکرری که در دبستان رخ می‌دهد) در این موارد، معمولاً معلم باید قبل از اینکه اوضاع بهصورت مشکلی عمدۀ درآید، یک سخن قاطع به شخص غریبه بگوید این کار به کلاس نشان می‌دهد که معلم نسبت به همه مسائل کلاس آگاه است. بدین ترتیب، معلم می‌تواند بهسرعت تصمیم بگیرد که چیزی را قبول کند یا نه. همچنین معلم از خود استحکام و ثباتی نشان می‌دهد مبنی بر اینکه معیارهای معقولی که تحت حمایت آن‌ها کار امکان‌پذیر می‌شود مورد توجه هستند.

## کسب معلوماتی درباره‌ی دانش‌آموزان

علم می‌باشد که با شناخت تک‌بچه‌ها، آشنایی با سوابق، سطوح توانایی، شخصیت، تجارب قبلی در مدرسه و ارتباط آن‌ها با افراد کلاس در موقعیت بهتری قرار می‌گیرند او می‌تواند از این راه، روش‌های مؤثر و واقع‌بینانه کنترل را تجربه کند. معلم باید نسبت به مشخصات فردی شاگردان خود حساس بوده و این حساسیت در کمک به تفسیر رفتار آن‌ها یاری گیرد. برای اجتناب از درگیری‌های غیرضروری با افراد و موقعیت‌های مشکل زانیز می‌توان از آن اطلاعات بهره برد. علاوه بر اینکه معلم با مطرح کردن معلومات شخصی خود مثل علائق، سرگرمی‌ها و نظریات خود در باب امور مختلف به بچه‌ها ثابت می‌کند که او نیز مثل افراد دیگر است. دانستن نام دانش‌آموزان در این زمینه از اهمیت اساسی برخوردار است.

## معیارهای واقع‌بینانه

پس از معلومات معلم درباره شاگردان، وضع معیارهای مناسب و واقع‌بینانه‌ی کلاس مطرح می‌شود این نکته هم در مورد کارآموزشی هم در رفتارهای اجتماعی، صدق می‌کند اگر معلمان برای خود انتظارات غیرواقع‌بینانه و بالایی در نظر بگیرند (یا بهندرت سطح پایین) هم خود و هم دانش‌آموزان دلزده و ناکام می‌شوند. معلم احساس می‌کند کلاس حداقل شعی خود را انجام نمی‌دهد و شاگردان احسان می‌کنند برای کاری که توانایی انجام آن را ندارند مورد گلایه و شکایت قرار می‌گیرند. بهتر است معیارهایی مطابق با امکانات موجود درباره‌ی هر یک از گروه‌های خاص دانش‌آموزان وضع کرد.

## لذت بردن از تدریس

این یک تغییر تقریباً نامرئی است که نقش مهمی در تدریس موفق و نگهداری کنترل خوب کلاس ایفا می‌کند. این متغیر عبارت است از لذت حاصله از کار تخصصی در معلم. این لذت معمولاً با علاقه نسبت به شاگردان و علاقه‌مندی وافر و نیز استنادی نسبت به موضوع درس همراه است. هنگامی که این علاقه و لذت نسبت به کلاس و کار در معلمی وجود داشته باشد به احتمال زیاد دانش‌آموزان او را معلمی می‌دانند که در کار خود حل شده است. کاری که شغل مهم و پرارتزشی است. متعاقباً آن‌ها نیز نسبت به شغل معلمی و نسبت به وظیفه لذت می‌برند و صمیمیت بیشتری نسبت به دانش‌آموزان خود خواهند داشت.

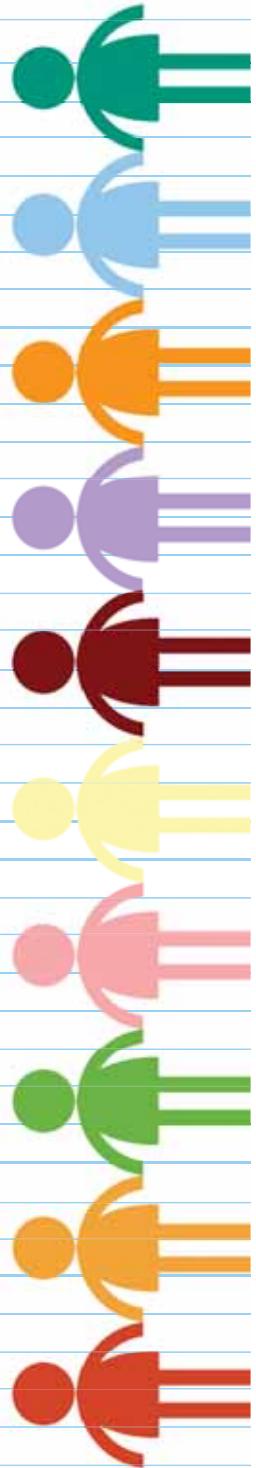
## منابع

۱. براون، سالی. (۱۳۸۲). راهنمای تدریس مؤثر (ترجمه کوروش فتحی و اجارگاه). تهران: آیین.
۲. بیلر، رابرت فردریک. (۱۳۷۶). کاربرد روان‌شناسی در آموزش (ترجمه پروین کدیور). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳. تایلستون، دوناواکر. (۱۳۸۶). آنچه هر معلم باید بداند: مدیریت کلاس و کلاس‌داری (ترجمه بهمن ابراهیمی، علی اسماعیلی). تهران: شلاک.
۴. رگ، ادوارد کنراد. (۱۳۸۲). مدیریت کلاس در دبستان (ترجمه علیرضا کیامنش، کامران گنجی). تهران: رشد.
۵. رئوفی، حسین. (۱۳۷۷). مدیریت، رفتار کلاسی، چاپ دوم، انتشارات آستان قدس رضوی.

# روزی که شاگردان از این خاطرات تعریف می‌کند... شاید دیگر نباشید!

## زهرا صنعتگران

گاهی همین طور که وسط مهمانی نشسته‌ایم، از دوران کودکی بحث می‌شود. هر کس از پررنگ‌ترین تصویرهای ذهنی و از عجیب‌ترین‌ها یعنی حرف می‌زند؛ مثلاً از معلمانی که مژده محبت آن‌ها زیر زبان مهندسان و مدیران امروز مانده، یا از بعضی معلم‌های چوب تر به دست. البته این چوب تر گاهی با زبان است و گاهی با توهین. معلم هم آدم است. گاهی از کوره در می‌رود و چیزی می‌گوید. اما باید به یاد داشته باشد که اثر یک حرکت، یک کلمه و یک نگاه تا آخر عمر با داشت آموز می‌ماند. این صفحه مثل یک دوره‌می است. هیئت منصفه، قاضی یا خبرنگار نداریم اما می‌خواهیم لا به لای مجله یک قسمت را به خاطرات دانش‌آموزان اختصاص بدهیم که حالا برای خودشان خانم یا آقایی شده‌اند. دانش‌آموزان، معلم‌انشان را فراموش نمی‌کنند تصویر شما در ذهن‌شان هک می‌شود. هر طور که باشید و هر طور که عمل کنید. با ما باشید...



## بهنام محمدی - لیسانس زیست‌شناسی

پدرم نجار بود و من کلاس اول دبستان، برای نشان دادن لوحه‌هایی که به تخته می‌چسباندیم، یک شمشیر چوبی درست کردم اما حدود دو هفته بعد، وقتی یکبار حواسم نبود، معلم‌مان با همان شمشیر به کرم زد!

## مینا شکرخواه - کارشناس ارشد هواشناسی

سال سوم دبستان بودم. سر امتحانات دی‌ماه معلم‌مان بالای سرم داد زد شکرخواه، این مزخرفات چیه نوشتم؟ از ترس تمام سوالات را پاک کردم و جواب‌ها را تغییر دادم. بعد فهمیدم، فقط یک سوال اشتباه بوده است، اما فرصت نبود دوباره همه‌ی سوال‌ها را یکبار دیگر پاک کنم و از اول بنویسم. نمره‌ی آن امتحانم ۵ شده‌است. خاطر آن پنج، سوم دبستان از خانواده تا هم کلاسی‌ها، همه مسخره کردند.

## سعید وحدانی - کارشناسی ارشد معماری

مدرسه‌ی ما در شیراز بود. معلم سال دوم خیلی دوستم داشت و یک‌بار وقتی از سرویس جا ماندم، تا دم در خانه همراه‌می‌آمد. تازه سر راه دو تا پفک هم خرید و خوردیم. تا مدت‌ها به خاطر این خاطره به بقیه پز می‌دادم، اما جدای از پز دادن آن روز واقعاً وحشت کرده بودم. فکر می‌کردم یا باید تا صبح روی نیمکت‌های کلاس بخوابم یا تنها‌ی برگردم. وقتی معلم‌مان پرسید چرا جلوی در ایستاده‌ای، شبیه بدخت‌ها موقعیت را توضیح دادم. در دلم گفتمن الان این آخرین بازمانده هم می‌رود، اما او نرفت و همراهی‌اش شد عامل پز دادن من.

## کیمیا کریمی - دانش آموز دوم دبیرستان

چهارم دبستان که بودم، فکر می‌کردم معلم‌مان بین چند تا زیبچه‌ها فرق می‌گذارد. یکی از شاگردها، بچه‌ی یکی دیگر از معلم‌های مدرسه بود. آن قدر این فرق گذاشتن اذیتم می‌کرد که هر شب قبل از خواب یک دور اتفاقات صحیح را مرور می‌کردم و با گریه می‌خوابیدم. باز هم اینکه هر روز صحیح فکر می‌کردم شاید امروز به چشم خانم معلم بیایم، اما به جز یکبار، که با باتری آهن‌ربا درست کرده بودم و بین همه‌ی آهن‌رباهای فقط آهن‌ربای من کار کرد، هیچ وقت به چشمش نیامدم!

## مرجان قیاسی - کارشناس ارشد جغرافیا

خانم کلانی همیشه یک جوری موهایش را می‌بست که همه سرزنشش می‌کردنده. آن سال‌ها هنوز کلیسیس مد نبود، اما بالای مقنه‌ی خانم کلانی برجسته بود و همیشه دم در مدرسه، مادرها از اینکه دلشان نمی‌خواهد بچه‌شان کلاس خانم کلانی باشند، شکایت می‌کردند. چهار ماه بعد، وقتی من کلاس پنجمی شدم، دیگر خانم کلانی نیامد. اوایل فکر می‌کردیم به خاطر شکایت مادرهاست، اما یک روز ناظممان گفت کلانی در سرشن غده داشته و بر نمی‌گردد. نمی‌دانم چرا؟ اما تنها خاطره‌ای که از دبستان دارم، تصویر مقنه‌ی خانم کلانی است. با اینکه به من هیچ ربطی نداشت، اما هنوز یک جور عذاب وجودان بدی دارم که هر بار یادش می‌افتم، دلم ریش می‌شود.

# بهترین آموزگاری که داشته‌ام

نویسنده: دیوید اون  
ترجمه: مجید عمیق

## آقای

وینسون معلم علوم  
کلاس ششم مابود. یکی از  
روزها درباره‌ی جانوری حرف زد  
که شب شکار بود و به دلیل آنکه  
نتوانسته بود خودش را با شرایط  
زیستی محیطش سازگار کند، نسلش  
منقرض شده بود. آقای وینسون گفت این

جانور در دوره‌ی یخ‌بندان می‌زیست و اسمش هم «کتی و مپوس» بود. او ضمن صحبت کردن درباره‌ی این جانور، جمجمه‌ای هم در دستش گرفته بود و مدام درباره‌ی پیشگی‌های آن حرف می‌زد، ما هم هرجه را می‌گفت یادداشت می‌کردیم. سپس زنگ دوم علوم، آقای وینسون از ما یک امتحان تستی گرفت.

وقتی آقای وینسون برگه‌ی پاسخ‌نامه‌ی من را تحویل داد، خیلی شوکه شدم، برای اینکه یک علامت بزرگ قرمز در مقابل همه‌ی پاسخ‌هایم گذاشته بود! من در این امتحان مردود شده بودم، در حالی که همه‌ی پرسش‌ها را درست پاسخ داده بودم و عیناً همان چیزهایی را نوشته بودم که خودش سر کلاس گفته بود! پیش خودم فکر کردم حتماً اشتباه شده است؟ اما فقط من یکی مردود نشده بودم، بلکه همه‌ی کلاس مردود شده بودند.

آقای وینسون توضیح داد: «ایدوارم متوجه قضیه شده باشید. هرگز چنین جانوری وجود نداشته است. بنابراین، همه‌ی گفته‌های من نادرست بودند.»

او همه‌ی مارا خطاب قرار داد و گفت: «به نظرتان برای پاسخ‌های نادرست باید نمره‌ی خوب می‌گرفتید؟» آقای وینسون به حرفاهاش ادامه داد: «شما باید خودتان حبس می‌زید. به علاوه، وقتی من جمجمه‌ی این جانور عجیب و غریب و غیرواقعی را در کلاس نشانتن می‌دادم (در واقع جمجمه‌ی یک گربه بود) مگر نمی‌گفتم هیچ نشانه‌ای از این جانور به دست نیامده و نسلش منقرض شده است؟ وقتی من درباره‌ی رنگ پوشش خز و قدرت بینایی‌اش در شب و اسم عجیب و غریبیش حرف می‌زدم، آیا نباید به حرفهای من شک می‌کردید؟

آقای وینسون از ما خواست از این تجربه درس بگیریم و فراموش نکنیم بعضی وقت‌ها ممکن است کتاب درسی یا نکته‌ای که معلم می‌گوید هم اشتباه داشته باشد. بنابراین، به محض آنکه در مورد صحت چیزی شک کردیم، باید آن را یادآوری کنیم. او گفت که هیچ فردی و هیچ کتاب درسی مصون از خطأ و اشتباه نیست.

کلاس علوم آقای وینسون یک کلاس درس چالشی بود. حتی یکی از روزها او به ما گفته بود اگر خیلی عمیق فکر کنیم، حتماً متوجه خواهیم شد که اتومبیل فولکس واگن‌ش یک موجود زنده است! و ما هم از همه‌جا بی خبر، مدت دو روز تمام سعی کرده بودیم موضوع را به گونه‌ای تجزیه و تحلیل کنیم که مورد قبول ایشان باشد!

ما این موضوع را در سایر کلاس‌های درسمنان مطرح کردیم که مشکلاتی را هم برای سایر معلمان پیش آورد. برای اینکه آن‌ها هرگز نمی‌خواستند کلاس‌های درسشان چالش برانگیز باشد. مثلاً معلم تاریخ ما درباره‌ی دوره‌ای از تاریخ حرفاهاش را می‌زد و دیگر نه بخشی انجام می‌شد و نه اجازه می‌داد در مورد بعضی مسائل تاریخی از ایشان سؤال کنیم! بنابراین، تنها آموزگاری که من

با خیال آسوده می‌توانستم در کلاس‌ش، درباره‌ی راه حل موضوعی پیشنهادهایی را مطرح کنم، آقای وینسون بود و بس. اما کلاس آقای وینسون به من و سایر هم‌کلاسی‌هایم یک درس بزرگ داد و آن بود که اگر فکر می‌کردیم چیزی که می‌شنویم نادرست است، با اعتماد به نفس کامل رو به روی چشم‌های طرف مقابل

می‌ایستادیم و با لحنی مؤبدانه می‌گفتیم: «ببخشید، این چیزی که می‌گویید درست نیست.»

البته همگان نمی‌توانند اهمیت این موضوع را درک کنند. روزی از روزها من درباره‌ی آقای وینسون با آموزگار کلاس پنجم صحبت کرد و ایشان گفتند: «آقای وینسون باید شما را فریب می‌دادند.»

من اما صریح و واضح به ایشان جواب دادم: «ببخشید، با صحبت‌های شما موافق نیستم.»

او در این تعریف از بازی شکل می‌گیرد، هویت پیدا می‌کند، جایگاه اجتماعی برایش به وجود می‌آید. با دنیای پیرامون خویش ارتباط برقرار می‌کند و به عنوان واحدی از اجتماع صاحب شخصیت می‌شود. کودک هم خود را می‌شناسد و هم درباره‌ی اطرافیان و پیرامون خویش شناخت پیدا می‌کند. حال از زاویه‌ای دیگر به کودک نگاه کنیم؛ او را به مثابه ظرف ببینیم و بازی را مطغوف.

مطغوف نیاز درونی کودک می‌شود. پس این ظرف، یعنی کودک، با مطغوفش، یعنی بازی، معنی و مفهوم پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، اگر این ظرف را از بازی خالی کنیم، کودک دیگر کودک نخواهد بود. از کودکی تهی و از معنا خالی خواهد شد؛ کودک با محظوای کودک غنی، کودک کامل و کودک واقعی است. او با دنیای درون خود که خمیره‌ای از شاط، پرسش و یک دنیا توانایی برای جستجویست، به کشف و ابداع و به مرور به خودشناسی می‌رسد. با بازی توانایی‌هایش روز به روز شکوفاًتر و دریافت‌هایش بیشتر می‌شود. برای دوستی با دنیای پیرامون خود، با خود دوست می‌شود تا برترین کلید ارتباط یافتن با دنیای بیرون از خود را به دست آورد و شاید آن جهان را نیز به دنیای خود بیفراید.

بازی کودکان زیباست، پاک است مثل هوای پاک؛ حقیقت است در عین واقعی بودن. پس از صداقت و درستی سرشار است. پس بی نیاز از کمبود است.

بچه‌ها شادند؟ بله!  
خانم معلم شاد است؟ بله!  
خانم معلم به اندازه‌ی همه‌ی بچه‌های کلاس اولش شاد بود. مثل بچه‌های کلاس اولش می‌خندید. مثل بچه‌های کلاسش هیجان‌زده بود. او می‌خواست با بچه‌هایش درس بازی کند.

خانم معلم: «بچه‌ها آماده‌اید؟»  
بچه‌ها یک صد و بلند جواب دادند: «بله!»  
خانم معلم می‌دانست همه‌ی بچه‌ها آماده‌اند، اما می‌خواست خود بچه‌ها صدای شادی و خوش حالی خود را بشنوند. دوباره پرسید: «بچه‌ها آماده‌اید؟»

و این بار بچه‌ها بلندتر جواب دادند: «بله!»  
و همه از جواب خودشان خنده‌یدند.  
خانم معلم فرمان بازی را داد: ماشین‌ها حرکت. در یک چشم به هم زدن، بچه‌ها پشت فرمان خیالی، ماشین خیالی خود را به حرکت درآورند و در یک خیابان دو طرفه‌ی خیالی، بین خطوط خیالی حرکت کردند. خانم معلم هم شد افسر راهنمایی و رانندگی تا ماشین‌ها راهدایت کند.

آیا به راستی مفهوم بازی برای بچه‌ها فقط بازی است؟  
اگر به مثابه یک ظرف به بازی نگاه کنیم، می‌بینیم کودک خود و دنیای خود را به عنوان مطغوف در آن قرار می‌دهد و به شکل و اندازه‌ی آن در می‌آید. پس می‌توان به تعبیری گفت: «کودک و کودکی یعنی بازی.»

# درس بازی با بچه‌ها!

مجید راستی  
سردیبر  
رشد  
کودک



نادیده گرفتن این اصل، یعنی آمادگی و پذیرش برای آموزش، نتیجه‌ی ضعیفی در پی خواهد داشت.

خانم معلم گفت: «بچه‌ها، نصفتان ماشین و نصفتان مسافر بشوید.»

نصف بچه‌ها مسافر شدند و نصف دیگر ماشین. مسافرها روی کول ماشین‌ها سوار شدند و تا ته حیاط رفته و برگشتند.

ماشین‌ها نفس نفس می‌زدند، اما همه خوش حال بودند.

خانم معلم گفت: «حالا برعکس!»

ماشین‌ها مسافر شدند و مسافرها ماشین...»

خانم معلم گفت: «درس امروز تمام شد.»

بچه‌ها گفتند: خانم اجازه، ما امروز بازی کردیم! خیلی هم خوش گذشت!

بازی به مفهوم کلی خود، زبان آشنای همهی خردسالان و کودکان است. مریبان و معلمان خلاق نیز از این زبان به خوبی برای آموزش به آنان استفاده می‌کنند. شایسته است که تجربیات و یافته‌های ارزشمند و قابل استفاده برای دیگران هم به سرعت منتقل شوند و مورد استفاده قرار گیرند تا معلم و مریبی نیز، در جایگاه معلمی، مؤثرتر عمل کنند.

خانم معلمی می‌گفت: «برای درس دادن بسیاری از مطالب، از زبان همه فهم کودکان سود می‌جوییم؛ یعنی درس بازی می‌کنم!»

ماشین‌های خیالی در خیابان خیالی میان خطوط خیالی بی‌تلخ می‌رفتند و می‌آمدند و خانم معلم که پلیس راهنمایی خیالی شده بود، بالبند و خوش حالی ماشین‌های خیالی را راهنمایی می‌کرد.

پلیس راهنمایی خیالی: «آفرین ماشین‌ها! خوب و درست می‌رید، آفرین!»

ماشین خیالی: «خانم ما بیب بیبیمون مردم آزاری نیست، از خوش حالیه!»

خانم معلم: «حالا می‌شیم عابر پیاده توی هوای کشیف. چی کار می‌کنیم؟»

بچه‌ها: «سرفه!»

بچه‌ها سرفه می‌کنند و راه می‌روند.

خانم معلم: «اوی نه! هوای کشیف برای سلامتی مون خیلی بد. زود باد بشیم، هوا رو تمیز کنیم.» خانم معلم با بچه‌ها باد می‌شود و همگی هوا را برای تمیز شدن فوت می‌کنند.

بازی‌ها برای کودکان تحرک، نشاط، خیال، مهارت، سلامت و دوستی و محبت می‌آفینند.

بزرگ‌ترها هم گاهی که به دنیای کودکی دچار می‌شوند، ناخوشی‌ها از دسترگشان دور می‌شود و تنهی از آن همه ناخوش احوالی و در عوض خوش حال و خوش احوال می‌شوند! بازی، حتی با نگاه صرف آموزشی، اصل آمادگی و پذیرش آموزش را با خود به همراه دارد.



# وضود روح مثنوی

مهری ماهوتی

## همنشین من باش

به موسی (ع) وحی رسید که: «بندهی من! ای کسی که از نور من درخشیدی، چرا به دیدنم نیامدی، در حالی که من دردمند و رنجور بودم؟»  
موسی (ع) گفت: «خدای من! درد و رنج در تو راه ندارد. نقصی و کم و کاستی از ماست که بندهایم.»

دوباره وحی رسید: «بیمار بودم و بدهال. جوانمردی نیست که حالی از من نپرسیدی.»  
موسی (ع) گفت: «پروردگار! تو از هر ضعف و بیماری منزه‌ی. چیزی بگو که در عقل و فهم من بگنجد.»

وحی آمد: «یکی از بندگان من دردمند است. رنج او رنجوری من است.  
اگر همنشینی مرا می‌خواهی، با اولیا و عزیزانم بنشین، و گرنه جزئی هستی که از کل جدا افتاده‌ای و این مکر شیطان است که پراکندگی و جدایی دوستانم آرزوی اوست.»

## منابع

۱. مثنوی معنوی تصحیح نیکلسون
۲. دفتر دوم از بیت ۲۱۵۶

## هدایه

دوستی بعد از سال‌ها جدایی به دیدن **یوسف** (ع) آمده بود. دو رفیق دوران کودکی مشغول صحبت شدند. دوست از حسادت و ناجوانمردی برادران پرسید. **یوسف** (ع) گفت: «گلهای ندارم، چیزی شبیه اسیر شدن شیر در زنجبیر بود. شیر در زنجبیر هم شیر است و امیر.»

دوست از گرفتار شدن **یوسف** (ع) در چاه پرسید. **یوسف** (ع) گفت: «فکر کن ماه چند روزی در تاریکی فرو رفت و دوباره بیرون آمد و بدر کامل شد. این‌ها همه مثل رفتن دانه‌ای در خاک بود که بعد خوش‌ش شد، آسیاب شد، نان شد، خورده شد و به عقل و جان هوشمندی اضافه شد. حالا تو بگواز این سفر دور و دراز برای من چه سوغاتی آورده‌ای؟»

دوست گفت: «راستش چیزی که شایسته تو باشد، پیدا نکردم، مثل اینکه بخواهم قطره‌ای را برای دریا ببرم، یا دانه مرواریدی را به معدن آن هدیه بدهم.»

پس آینه‌ای جلوی **یوسف** (ع) گذاشت و گفت: «چیزی بهتر از تو نمیدم. آینه‌ای آوردم تا خودت را در آن ببینی و از من یاد کنی.»

منبع: دفتر اول مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون

# لطیفه‌هایی از کتاب امثال و حکم دهدخدا

علیرضا ل بش

## بالا بالاها می‌نشیند و بزرگ بزرگ حرف می‌زنند

پدری فرزندی ابله داشت. روزی او را نصیحت می‌کرد که هر وقت وارد مجلسی شدی، بالای مجلس بنشین و حرفهای بزرگ بزن تا در نظر دیگران آدم بزرگی شوی. روزی پسر به مجلسی وارد شد. رفت و بالای طاقجهی خانه نشست و نام حیوانات بزرگی مانند فیل، کرگدن، شتر و الاغ را برد.

## دبال کفشم می‌گردم

تاجری داشت از شاگردش در جمعی تعریف می‌کرد و می‌گفت: «شاگرد من آنقدر زرنگ است که وقتی او را دنبال کاری می‌فرستم، حتی می‌توانم زمان دقیق بازگشتش را هم پیش‌بینی کنم.» حاضران از این قضیه تعجب کردند و از او خواستند شاگردش را امتحان کند تا به چشم خودشان بینند. تاجر شاگردش را برای رساندن پیامی به محله‌ای دور فرستاد. شاگرد رفت. تاجر حس می‌زد که الان در فلان محله است. الان از فلان کوچه گذشت. الان دارد از روی فلان پل می‌گذرد. الان به فلان محله رسید. پیغام را رساند. الان دارد از فلان بازار می‌گذرد. الان جلوی در رسیده است و شاگرد را صدا کرد. شاگرد جلوی در بود. بازگان دیگری در مجلس مهمانی بود. فردای آن روز قضیه را برای شاگرد خودش تعریف کرد و او را سرزنش کرد که از شاگرد مردم یاد بگیر. شاگرد گفت: «شما هم در جایی از من تعریف کنید و بدانید من پیش او کم نمی‌آورم و شما را رو سفید می‌کنم.» بازگان مهمانی مفصلی داد. بقیه همکارانش را دعوت کرد، از شاگردش تعریف کرد و همان ادعای امطرح کرد. حاضران از بازگان خواهش کردند ادعایش را ثابت کند و شاگرد را جلوی چشم آن‌ها متحان کند. بازگان شاگرد را دنبال کاری فرستاد و برای حضار می‌گفت که الان شاگردم در فلان محله است و الان از فلان کوچه گذشت و حالا دارد پیغام را می‌دهد و الان در فلان بازار است و الان برگشته و جلوی در است و بعد شاگرد را صدا کرد. شاگرد جلوی در بود و جوابش را داد. بازگان خیلی خوشحال شد و گفت: «دستور مرا انجام دادی؟» شاگرد گفت: «نه! از آن وقت تا حالا دنبال کفشم می‌گردم.»

## این به آن در

به معلمی گفتند: «می‌دانی که شاگردان از تو نمی‌ترسند؟» گفت: «من هم از آن‌ها نمی‌ترسم.»

## تونگو تاف

معلمی لکت زبان داشت و نمی‌توانست کاف را درست تلفظ کند و می‌گفت: «تاف». شاگردانش هم همان را می‌شنیدند و تکرار می‌کردند. معلم عصبانی شد و گفت: «وقتی من می‌گم؛ تاف، شما نگید؛ تاف، شما بگید؛ تاف.»

## روز هفتم هم جمعه بود

مردی روس‌تایی، پسرش را برای تحصیل به شهر فرستاد. پسر بعد از چند سال به روستا برگشت. پدر گفت: «پسر جان باسواند شدی؟»

پسر گفت: «نه پدر جان.» پدر با تعجب پرسید: «چرا؟» پسر گفت: «یک روز من بیمار بودم، یک روز استادم، یک روز من بحمام می‌رفتم، یک روز استادم، یک روز شستن بودم، یک روز من مشغول لباس شستن بودم، یک روز استادم، روز هفتم هم که جمعه بود و تعطیل.»

## من پالتو را رها کردم، پالتو مرا ول نمی‌کند!

روزی مردی با دوستانش کنار رودخانه‌ای می‌رفتند. مرد لباس نازکی پوشیده بود و از سرمه می‌لرزید. خرسی را سیلاپ از بالای کوهستان آورد

بود. خرس بیهوش بود و سرش زیر آب. رفیقان به مرد لزان گفتند: «نگاه کن! پالتو پوستی در آب افتاده و می‌رود. برو و آن را از آب پاگیر و بپوش.» مرد از زور سرما داخل آب پرید تا پالتو را بگیرد. خرس به هوش آمد و چنگ انداخت و اورا گرفت. رفقا گفتند: «اگر می‌توانی پالتو را بیاور و اگر نمی‌توانی ولش کن که داری غرق می‌شوی.» مرد گفت: «من پالتو را ول کرده‌ام، اما پالتو مرا رها نمی‌کند.»

داستان این پویانمایی، همان طور که از اسمش پیداست، در مورد اسباب‌بازی‌هاست؛ اسباب‌بازی‌هایی که فکر می‌کنند، حرکت دارند، کار انجام می‌دهند و با صاحب خود (اندی) رابطه‌ی احساسی برقرار کرده‌اند، در هر سه قسمت از فیلم، میل بودن در کنار صاحب‌شان، دست‌مایه‌ی اصلی داستان شده است. آن‌ها قهرمانان دنیای خیالی هستند و فرق اساسی‌شان با دیگر اسباب‌بازی‌ها این است که هیچ وقت در خطر بودن برای همراهی با کسی را که دوستش دارند، با آرامش ماندن درون قفسه‌ی اسباب‌بازی‌ها عوض نمی‌کنند.

### نقد فیلم

داستان اسباب‌بازی‌ها از جمله فیلم‌های معددی است که قسمت‌های دوم و سوم آن هم از همان جذابت و کشش قسمت اول برخوردار است. فیلم اسباب‌بازی ۱ رامی‌توان پیشناز نسل تازه از ساخت انیمیشن با جزئیات بسیار نامید. قهرمان پروری کاری است که در این فیلم، بدون نقص صورت گرفته و قهرمان (وودی کابوی) تا پایان فیلم مورد حمایت مخاطبان است. در قسمت سوم این نمایش، اندی دیگر بزرگ شده است و می‌خواهد به دانشگاه برود، ولی هنوز بخش مهمی از خاطراتش را فراموش نکرده است. او وودی را با خودش می‌برد. همه‌اه داشتن یک عروسک، برای جوانی که دوران کودکی را پشتسر نهاده، نقص تلقی نمی‌شود، بلکه زنده نگاه داشتن کودک درونی است که بعضی موقع به ما تلنگر می‌زند که در روابط‌مان سیاست را کنار بگذاریم، به همه لبخند بزنیم و دنیا را از دریچه قلبمان ببینیم تا مثل کودکان خالص بمانیم. شاید بد نباشد بعضی موقع از کودکان سرمش بگیریم و نگاه کردن از زاویه‌ی دید آن‌ها را برای خود تکلیف کنیم.

### نقد آموزشی

اساس داستان فیلم بر ذهنیات کودکانه استوار است (جان بخشیدن به اشیای بی‌جان). نکته‌ی آموزشی فیلم هم در نگاه درست به این داشته‌ی کودکان است. تمام دستاوردهای بشر بر اساس جدی‌شدن همین تخیلاتی است که روزگارانی در سر مختاران شکل گرفته‌اند. به گفته‌ی فلاسفه، هر چیزی که در ذهن بشر می‌گذرد، امکان دارد روزی به واقعیت بپیوندد. چون از جایی در داخل این جهان به ذهن او خطرور کرده است. پس باید کودکان را به تخیل‌پردازی تشویق کرد تا ذهن‌شان خلاق و آماده‌ی سازندگی گردد.

## کارخانه‌ی رویابافی

مهران نعمت‌اللهی



**فیلم‌نگاری**  
مروری بر سه‌گانه‌ی داستان  
اسباب‌بازی‌ها (toy story)  
کارگردان: جان لستر (۱ و ۲)،  
لی آنکریچ (۳)  
نویسنده: جان لستر،  
پیت داکتر (۱ و ۲)، مایکل  
آندریت (۳)

شرکت تولیدکننده: پیکسار

عباس کیارستمی یک استاد بود و بچه‌ها را می‌شناخت. یکی از معدود آدم‌های بزرگی که احسانس بد کوچک بودن را فراموش نکرده بود. او - مثل این روان‌شناس‌هایی که آدم را هیپنوتیزم می‌کنند و در خاطراتش به عقب بر می‌گردانند - با فیلم‌هایش شما را هیپنوتیزم می‌کند و عقب می‌برد، به وقتی که هنوز معلم و ناظم و مدیر نبودید؛ به وقت دانش‌آموزی‌تان. به زمانی که از سر صف به خاطر تف‌بازی بیرون‌تان می‌کشیدند. به وقتی که دست ناظم روی سر و شانه‌تان می‌رفت، چه از سر تشویق و چه تنبیه، و شما بدنتان خشک می‌شد و سعی می‌کردید برای چند لحظه نفس نکشید تا دست از روی سرتان برداشته شود. استرس ایستادن جلوی میز ناظم، استرس ثبت نام، استرس سؤال و جواب شدن، شیرینی وقتی که ناظم می‌فهمید بی‌گناهید و اجازه می‌داد بروید، استرس تعهد دادن، خستگی موقع سخنرانی صحبتگاهی مدیر. گاهی دلتان برای بچه‌ها می‌سوزد، گاهی دلتان برای ناظم می‌سوزد، و در طول فیلم انگار دلتان برای خود کوچک‌تان تنگ می‌شود؛ برای وقتی که شخصیت سر صفت‌تان با شخصیت جلوی میز ناظم فرق داشت. این دلتنگی خوب است. با برگشتن به کودکی‌تان یادتان می‌آید از مدیر، ناظم، معلم و مدرسه چه انتظاری داشتید، یادتان می‌آید اگر جور دیگری با شما رفتار می‌کردند شاید امروز آدم متفاوت‌تری می‌شدید، شاید آینده‌ی متفاوت‌تری می‌داشتید.

«اولی‌ها» فیلمی از عباس کیارستمی است که راحت هم می‌توانید پیدا‌یابش کنید. فقط کافی است سری به سایتهاي اشتراک ویدئوی داخلی بزنید و در قسمت جست و جو، کلیدوازه‌های «اولی‌ها» و «عباس کیارستمی» را وارد کنید. حجمش کم است، قدیمی است، کیفیت پایینی دارد، تصویر پرش دارد، ولی قطعاً ارزش دیدن دارد. اگر خود دبستانی‌تان را یادتان نمی‌آید، پس این ماشین زمان را از دست ندهید.

\* فیلم‌های دیگر کیارستمی که بعد از دیدن «اولی‌ها» شاید دوست داشته باشید سری به آن‌ها بزنید:

کوتاه: «زنگ تفریح»، «منم می‌تونم»  
بلند: «خانه‌ی دوست کجاست»، «مشق شب».



# اولی‌ها



مهدي وليزاده

صفحه‌ی همراهان ما، انعکاس بخشی از تماس‌های مخاطبان ماهنامه است. کارشناسان مطالب ارسالی را بررسی می‌کنند؛ و مطلب در صورت تأیید، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد.

۱. هایده ابراهیمی؛ آموزگار - مریوان کردستان «خشونت از کجا نشأت گرفته است؟» و «خطرهای خوابی که به حقیقت پیوست»
  ۲. راضیه باباخانی؛ آموزگار - قزوین ناحیه ۲ «راهبرد آموزشی ریاضیات جدید»
  ۳. عبدالله مرادی؛ شهرستان سروآباد «مقایسه‌ی پیشرفت تحصیلی دانشآموزان، در کلاس‌های مختلط و غیرمختلط پایه‌ی پنجم ابتدایی»
  ۴. علی‌اکبر امامی؛ منطقه‌ی حمیل «طرح درس مبتنی بر ۱۷ درس سیزدهم کتاب فارسی پایه‌ی چهارم دوره‌ی ابتدایی با عنوان «لطف حق»
  ۵. بتول صافی؛ نجف‌آباد - اصفهان «مهارت‌های اجتماعی»
  ۶. عذرا قدبیگی؛ شهرستان شازند «بازی و ریاضی»
  ۷. راضیه رحمتی؛ آموزگار - ناحیه یک قزوین «علم بانشاط، زندگی آفرین است»
  ۸. سجاد محمدی اقدم؛ آموزگار «فرانک محمودی؛ دانشجوی کارشناسی روانشناسی عمومی بررسی تأثیر ارزشیابی توصیفی بر پیشرفت تحصیلی و اضطراب امتحان دانشآموزان»
  ۹. محروم طاهرخانی؛ آموزش و پرورش شاداب «آموزش و پرورش شاداب»
  ۱۰. وحید مزادخواه و صدیقه قاسمی؛ هر دو آموزگار «هفت راه برای گرفتن بازخورد بهتر از دانشآموزان»
  ۱۱. حسین محمدیان؛ «رفع کمبودهای برنامه‌ی هفتگی درسی»
۱۲. فاطمه قدرتی راد؛ «نوآوری در راستای توانمندسازی و ارتقای کیفیت و بهره‌وری در سازمان (با تکیه بر اصول مدیریت اسلامی)»
  ۱۳. مهدی راجی و مینا راجی؛ هر دو آموزگار - آذریجان شرقی «تحلیل محتوا کتب هدیه‌های آسمان و فارسی (خوانداری دوره‌ی دوم ابتدایی از نظر میزان توجه به مؤلفه‌های آموزه‌های دینی)»
  ۱۴. زهرا قربانی‌مقدم و مژگان آدینه؛ هر دو دبیر «مطالعات روانشناختی در دوره‌ی ابتدایی»
  ۱۵. سمیه هاشمی؛ معلم، آبیک «عوامل مؤثر بر پرورش خلاقیت دانشآموزان»
  ۱۶. محدثه پاک‌نظر؛ سمنان «تعیین محتوا در برنامه‌ی درسی ریاضیات مدرسه‌ای»
  ۱۷. نرگس محمدی؛ آموزگار - گیلان «اثرات آموزش پیش‌دبستانی در مهارت خواندن و نوشتن دانشآموزان پایه‌ی اول ابتدایی»
  ۱۸. اعظم آشنا؛ آموزگار - فارس، لارستان «به کارگیری الگوهای نوین تدریس و استفاده از ابزارهای کمک‌آموزشی»
  ۱۹. معصومه آذنی؛ آموزگار، خراسان جنوبی «فرشته خدا در کلاس من»
  ۲۰. محمد نیکویی؛ چمستان، مازندران «شادی هدفمند»
  ۲۱. ابراهیم قدردان؛ تهران «لطفاً مداد را درست دستان بگیریدا»
  ۲۲. سیدعلی عبداللهی حسینی، سکینه اخلاقی و علی لطفی؛ مازندران «یادگیری زایشی، الگویی نو در طراحی آموزشی»

## شرایط ارسال مطلب و مقاله

ماهنامه‌ی رشد آموزش ابتدایی آثاری را بررسی می‌کند که در یکی از دسته‌های زیر باشد:

### مطالب عمومی

۱. خاطره؛ معلمان محترم می‌توانند خاطرات تاریخ و شیرین خود را برای درج در ماهنامه بفرستند. خاطره باید به مدرسه، درس، دانشآموز و روابط معلم و شاگرد مربوط باشد.
۲. تجربه؛ معلمان محترم می‌توانند تجربه‌های خود را در زمینه‌های آموزشی و تربیتی برای مجله بفرستند. تجربه‌های خلاقانه که معلمان تازه‌کارتر را راهنمایی کنند، در اولویت چاپ قرار می‌گیرند.



## با مجله‌های رشد آشنا شوید

### مجله‌های دانش آموزی

به صورت ماهنامه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

#### رشد کوک

برای دانش آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

#### رشد نوآهون

برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

#### رشد دانش آهون

برای دانش آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

### مجله‌های دانش آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

#### رشد بوجان

برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول

#### رشد بارگان

برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول

#### رشد چکان

برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

#### رشد پرگان

برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

### مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

◆ رشد آموزش ابتدایی ◆ رشد تکنولوژی آموزشی

◆ رشد مدرسه فردا ◆ رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال تخصصی

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- ◆ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ◆ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- ◆ رشد آموزش هنر ◆ رشد آموزش مشاور مدرس ◆ رشد آموزش تربیت بدنی
- ◆ رشد آموزش علوم اجتماعی ◆ رشد آموزش تاریخ ◆ رشد آموزش چگرافیا
- ◆ رشد آموزش زبان‌های خارجی ◆ رشد آموزش ریاضی ◆ رشد آموزش فیزیک
- ◆ رشد آموزش شیمی ◆ رشد آموزش زیست‌شناسی ◆ رشد مدیریت مدرس
- ◆ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کارداش ◆ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان کره‌های آموزشی و...، تهیه و منتشر می‌شود.

◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴  
آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶

◆ تلفن و نامبر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰ ۱۴۷۸

◆ وبگاه: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

۳. داستان: سوژه‌های داستان‌ها باید در حوزه‌ی معلمی و دارای مضامون‌های اخلاقی و بروزشی باشند. البته می‌توانند به زندگی خارج از مدرسه‌ی معلم نیز مربوط باشند.

۴. خبر و گزارش فعالیت: اخبار و گزارش فعالیت‌های آموزشی و بروزشی، به شرط اینکه تازه و بدیع باشند و به امور روزمره، مثل ارد و شرکت در نماز جمعه و راهپیمایی و نظایر آن‌ها مربوط نباشد.

### مطالب تخصصی

مقاله: ماننامه از مقاله‌های معلمان پژوهشگر استقبال می‌کند. اما شرایط پذیرش مقاله به شرح زیرند:

۱. به موضوعات جدید و مسائل نوین آموزش و پرورش مربوط باشد.

۲. در صورت لزوم با عکس و جدول‌های لازم همراه باشد.

۳. در قالب مقالات دانشگاهی نباشد.

۴. حداقل ۵۰۰ کلمه و حداقل ۲۰۰۰ کلمه باشد.

۵. مقاله‌های کپی‌شده سریع تشخیص داده و دور ریخته می‌شوند.

۶. چکیده‌ی مقاله در حداقل ۲۰۰ کلمه با مقاله همراه شود.

۷. متنابع تحقیق به ضمیمه مقاله ارسال شوند.

۸. عنوان شغلی نویسنده درج نشود. ممکن است مدارک لازم درخواست شود.

### نکات دیگر

تحقیقات و پایان‌نامه‌های دانشجویی را برای این مجله نفرستید.

شما باید بتوانید کل مطلب پژوهش خود را در قالب مقاله‌ای ژورنالیستی و با رعایت حجم گفته شده تنظیم و ارسال کنید.

از آنجا که مطالب هر شماره از ماننامه سه ماه قبل از انتشار کامل می‌شوند، لطفاً پس از ارسال مقاله برای نتیجه‌ی آن صبوری کنید و تلفن دفتر مجله را اشغال نکنید. ممکن است مطالب ارسالی شما در سال بعد استفاده شوند.

ماننامه تعهدی در قبال انتشار مقاله‌ی شما ندارد. هر چه

مقاله‌ای محکم‌تر، مستدل‌تر و بروزتر باشد، اقبال بیشتری برای انتشار آن وجود دارد.

ماهنامه در انتخاب، تلخیص و ویرایش مطالب منتخب خود آزادی کامل دارد.

در صورت ارسال با ایمیل، در بخش موضوع ایمیل نام مقاله و

نویسنده ذکر شود. شماره تلفن و نشانی در اصل مقاله تایپ شود.

متن خود را در قالب فایل Word به ایمیل الصاق کنید. فایل PDF نفرستید.

برای آثار ترجمه‌ای، لطفاً متن زبان اصلی اثر را همراه فایل ترجمه، به ایمیل ضمیمه کنید و مختصراً از زندگی نامه و آثار دیگر نویسنده اصلی را هم بفرستید.

یادآوری مهم: مطلب و مقاله‌ای که شرایط فوق را نداشته باشد، بررسی نمی‌شود.

## مسابقه‌ی مدرسه‌ی زیبای من «عکس و فیلم»

یکی از جنبه‌های مهم مدرسه‌داری، زیباسازی محیط آن است. تقریباً تمامی مدارس سعی می‌کنند با صرف هزینه، دیوارهای حیاط مدرسه‌ی یا سالن‌ها و در ورودی کلاس‌ها یا حتی خود کلاس‌ها را با طراحی‌ها و دیوار نوشت‌های زیباتر کنند تا محیط آموزشگاه شاداب‌تر شود.

تعداد زیادی از مدیران و معلمان، خود صاحب ایده‌اند و تعدادی از نظر مشاوران گرافیست و طراح استفاده می‌کنند و عده‌ای نیز همچنان دنبال ایده می‌گردند.

در همین زمینه مسابقه‌ای داریم. در این مسابقه، شما می‌توانید از دیوارنوشت‌های و طراحی‌های مدرسه‌ی خود عکس یا فیلم تهیه کنید و برای ما بفرستید. ضمن چاپ تصاویر برتر، به بهترین آن‌ها جایزه هم می‌دهیم.

حتی اگر کار هنری زیادی در دیوارها ندارید، آثاراتان را بفرستید؛ شاید از نظر داوران ما، نکته‌ای در همان تصاویر وجود داشته باشد که بتواند امتیازی نصیب خود بکند.

### نکته‌ها

۱. این مسابقه‌ی عکاسی نیست که به کیفیت عکس جایزه بدهیم. پس با همین موبایلی که در دست دارید و یا با یک دوربین عکاسی معمولی عکس بگیرید یا فیلم تهیه کنید.

۲. محتوای مطالب طراحی شده برای ما اهمیت بیشتری دارد.

۳. عکس و فیلم فقط از مدارس ابتدایی پذیرفته می‌شود.

۴. فرست ارسال آثار تا پایان فروردین ماه ۹۶ است.

۵. جایزه به مدرسه تعلق می‌گیرد.

۶. تعداد برنده‌های اصلی سه مدرسه خواهد بود و به پنجاه مدرسه هدایایی تعلق می‌گیرد.

۷. بهترین تصاویر با ذکر نام مدرسه، مدیر و طراح، به تدریج در مجله به چاپ خواهند رسید.

نحوه ارسال:

ایمیل: [ebtedayi@roshdmag.ir](mailto:ebtedayi@roshdmag.ir)

تلگرام: <https://telegram.me/ebroshdmag>



### اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل

## رشد رأی اشد

#### نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر،

#### مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛

۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۸۸۴۹۰۲۳۳ لطفاً کمی فیش را نزد خود نگه دارید.

#### عنوان مجلات درخواستی:

▪ نام و نام خانوادگی:

▪ تاریخ تولد:

▪ میزان تحصیلات:

▪ تلفن:

▪ نشانی کامل پستی:

▪ استان:

▪ شهرستان:

▪ خیابان:

▪ پلاک:

▪ شماره پستی:

▪ شماره فیش بانکی:

▪ مبلغ پرداختی:

▪ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

▪ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۱۱۵۵/۴۹۷۹

▪ تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

▪ Email: [Eshterak@roshdmag.ir](mailto:Eshterak@roshdmag.ir)

▪ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (شش شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

▪ هزینه اشتراک سالانه مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال